

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موضوع :

بررسی سیره اخلاقی
امام رضا (ع)

تهیه کننده :

علائم اختصاری

بی نا ← بدون انتشارات

بی تا ← بدون تاریخ

(ع) ← علیه السلام

« » نقل قول مستقیم از آیات و روایات و دیگر متون

() ← توضیح و تفسیر آیات

ج ← جلد

ص ← صفحه

صص ← صفحات

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: طرح تحقیق
.....	۱- مقدمه.....
.....	۲- اهمیت و ضرورت
.....	۳- پیشینه ی تحقیق
.....	۴- اهداف تحقیق
.....	۵- روش تحقیق
.....	۶- محدودیت های تحقیق و پیشنهادات
.....	۷- معانی لغوی واژه ها
	فصل دوم: یافته های تحقیق
.....	بخش اول: اخلاق فردی
.....	مقدمه
.....	۱- عبادت
.....	۲- سخاوت
.....	۳- زهد و پرهیزگاری
.....	۴- ادب
.....	۵- صبر و استقامت.....
.....	بخش دوم: اخلاق سیاسی.....
.....	مقدمه.....

- ۱- مسئولیت پذیری.....
- ۲- رعایت امانت.....
- ۳- التزام به تعهدات.....
- ۴- برخوردهای مودبانه با دستگاه حاکم.....
- الف- عمل به سیره ی پیامبر اکرم.....
- ب- موعظه.....
- ۱- رهنمودهای اخلاقی امام به مامون.....
- ۲- رهنمودهای اخلاقی امام به شیعیان.....
- ۳- احقاق حقانیت امور در حوزه ی سیاسی.....
- بخش سوم: اخلاق خانوادگی.....
- مقدمه.....
- ۱- محبت و مهرورزی با اعضای خانواده.....
- ۲- محبت به خدمتکاران و غلامان.....
- ۳- تامین مخارج زندگی.....
- بخش چهارم: اخلاق مردمی.....
- مقدمه.....
- ۱- حسن خلق نسبت به دیگران.....
- ۲- همدلی امام (ع) با توده ی مردم.....
- الف- ناکامی مامون در سیاست های عوام فریبانه.....
- ب- تلاش امام (ع) در جهت اعتلای اسلام.....

فصل سوم:

..... جمع بندی و نتیجه گیری

..... فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

طرح تحقیق

۱- مقدمه

۲- تعریف موضوع

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

۴- مروری بر مطالعات انجام شده

۵- اهداف تحقیق

۶- طرح سؤال و فرضیه

۷- روش تحقیق

۸- محدودیت ها و پیشنهادات

۹- معانی لغوی واژه ها

یکی از مهمترین مباحثی که امروزه در علوم انسانی مطرح می شود بحث های اخلاقی است. در اینکه فلسفه ی اخلاقی چیست و بهترین و موثرترین فلسفه ی اخلاق چه نوعی از آن است کتب بسیار زیادی در این رابطه تهیه و تدوین شده است و از اصول اساسی آن و راههای رسیدن به فضایل اخلاقی بحث شده است. باید توجه داشت که آدم همواره در زندگی اش برای تشخیص درست امور و در نهایت داشتن زندگی سالم و سعادت مند نیازمند راهنما و الگوهای اخلاقی و تربیتی است و البته با مطالعه در زندگی انسان های بزرگی چون پیامبر گرامی اسلام(ص) و ائمه ی معصومین، افراد می توانند در این راه قدم برداشته تا به کمال و سعادت حقیقی دست یابند.

امام رضا (ع) به عنوان یک انسان نمونه و کامل از جمله همان افراد برگزیده ای هستند که مسلمانان و شیعیان با مطالعه و تحقیق در سیره ی اخلاقی ایشان در ابعاد گوناگون زندگی ایشان می توانند راه سعادت حقیقی را پیدا کرده و به کمال مطلوب نائل آیند. اصولاً از آن جا که ائمه ی اطهار مورد تایید خداوند متعال بوده و همواره آنها از فیوضات ویژه الهی برخوردار بوده اند رفتار و منش آن بزرگواران می تواند راهگشای خوبی جهت سعادت و خوشبختی جوامع انسانی تلقی می شود. از این رو با توجه به اهمیت مباحث اخلاقی و تاثیر آنها در زندگی انسان ها، در این تحقیق سعی شده است که با استمداد از اخلاقیات امام هشتم (ع) الگوی مناسبی جهت افراد طالب کمال ارائه شود. امید است که مورد رضایت حضرت حق و امام رضا (ع) واقع شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به فاصله ی بسیار طولانی که جامعه ی امروزی با عصر رسالت و امامت ائمه اطهار (ع) دارد ضرورت یادآوری و بررسی سیره ی عملی و رفتاری آنها در ادوار مختلف زندگی آن بزرگواران امری اجتناب ناپذیر است. بررسی جنبه های مختلف زندگی آن پیشوایان معصوم در امور مخفی چون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و.. امری لازم و حیاتی است تا با کمک از سیره ی اخلاقی و اجتماعی آنها بتوان بسیاری از مسائل و مشکلات اخلاقی و... را در دنیای امروزی را برطرف ساخت.

مروری بر مطالعات انجام شده

در رابطه با سیره ی اخلاقی امام رضا (ع) کتب و مقالات متعددی تالیف شده است. اما کتب و مقامات بسیاری که اینجانب مورد مطالعه قرار دادم همه جوانب و خصوصیات اخلاقی ایشان از قبیل اخلاق فردی و خانوادگی، اجتماعی و سیاسی را به طور کامل و یک جا مشاهده نکرده ام. لذا در اکثر کتب مطالعه شده بیشتر به جنبه ی سیاسی زندگانی امام رضا (ع) پرداخته شده است. از جمله کتاب تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع) از محمد صادق عارف که این کتاب به ۲ بخش گسترده تقسیم می شود که تنها در صفحات محدودی از بخش اول به بعد اخلاقیات ایشان آن هم از نظر فردی و اجتماعی پرداخته شده و در ادامه آن و بخش دوم منحصر به زندگانی فکری و سیاسی ایشان می شود.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی سیره اخلاقی امام رضا (ع)

اهداف جزئی:

۱- بررسی اخلاق فردی امام رضا (ع)

۲- بررسی اخلاق سیاسی امام رضا (ع)

۳- بررسی اخلاق خانوادگی امام رضا (ع)

۴- بررسی اخلاق مردمی امام رضا (ع)

طرح سؤال و فرضیه

سؤال اصلی:

ویژگی های اخلاقی امام رضا(ع) در ابعاد مختلف چگونه بوده است؟

سوالات فرعی:

۱. اخلاقیات فردی امام رضا(ع) چگونه بوده است؟
۲. اخلاق سیاسی امام رضا(ع) چگونه بوده است؟
۳. شیوه ی برخورد اخلاق اجتماعی امام رضا(ع) چگونه بوده است؟
۴. نحوه تعامل اخلاقی امام رضا(ع) با خانواده و نزدیکان چگونه بوده است؟

فرضیه ها:

۱. امام رضا(ع) در برخورد با کلیه افراد حتی مخالفین رعایت اخلاق اسلامی را می نمودند.
۲. اخلاق سیاسی امام رضا(ع) جدای از اخلاق اجتماعی و عبادی ایشان نبود.

روش تحقیق:

روش تحقیق در این پروژه ی تحقیقاتی کتابخانه ای -توصیفی است که با راهنمایی استاد گرامی جناب آقای عامریان نکات اخلاقی امام رضا (ع) در ابعاد فردی، اجتماعی و خانوادگی و سیاسی از کتب مختلف تاریخی، روایی و.. استخراج شده و به تحلیل آنها پرداخته شد.

محدودیت ها:

با وجود کتب متعددی که درباره ی زندگانی امام رضا (ع) تالیف شده است اما مطالب موجود در اکثر کتاب ها تکراری است و اینجانب برای به دست آوردن نکات ویژه ی اخلاقی امام رضا (ع) با مطالب کاملاً تکراری مواجه می شدم.

پیشنهاد:

اگر مسئولین محترم دانشکده علوم قرآنی امکانات بیشتری در قسمت انتشارات داشته باشند تا دانشجویان بتوانند پروژه های تحقیقاتی خود را در همین مکان تایپ و صحافی نمایند بهتر است.

بررسی معانی لغوی واژه ها:

سیره: به همان سبک ها و روش های خاص و شیوه های زندگی پیغمبر و ائمه اطهار گفته می شود. یعنی همان اصول و روشهای اخلاقی و عملی ثابتی که در برخورد با دشمنان با دوستان، با مردم عادی، با خانواده در تبلیغ و رهبری، در عبادت و سیاست و.. داشتند و نکته مهمتر اینکه در بررسی سیره شرح ولادت و شهادت، خصوصیات ظاهری و جسمانی مهم نیست زیرا اینها به سیره شناسی مربوط نیست.^۱

اخلاق: گروهی گفته اند اخلاق همان وجدان فطری است و گفته اند ندهای وجدانی را باید تقویت نموده و با تقویت آنها و پاک شدن محیط آنها، ندهای مخالف خاموش می گردد.^۲

^۱ - مجموعه آثار نخستین کنگره ی جهانی حضرت امام رضا(ع) انتشارات کنگره ی جهانی حضرت

رضا- بی جا- ۱۳۶۵ ص ۴۲۰

^۲ - همان ص ۴۰۵

فصل دوم

یافته های تحقیق

بخش اول

مقدمه

۱- عبادت

۲- سخاوت

۳- زهد و پرهیزگاری

۴- ادب

۵- صبر و استقامت

از مهمترین مسائلی که در علوم چون علم جامعه شناسی، روان شناسی، و... به آن پرداخته می شود این است که انسان از منظر شخصیتی و بعد اخلاق فردی او مورد بررسی قرار گیرد. ویژگی های متعدد اخلاقی که در یک فرد مشاهده می شود اعم از طرز خوردن و خوابیدن، شیوه ی گفتار و کردار او و اعمال او... در جنبه های مختلف زندگی اش از دیدگاه دیگران مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت. حال مشاهده ی اینگونه رفتارها در اشخاص بزرگ، تاثیرگذاری بزرگتری را به دنبال خواهد داشت. پس قاعدتاً در انسانهای بزرگ همیشه رفتارهایی سر می زند که مورد تایید اطرافیان و آیندگان باشد. از جمله انسانهای بزرگ تاریخ اسلام که اخلاق و کردار فردی او همیشه مورد تحسین همگان بوده است امام رضا (ع) است. ایشان در بعد اخلاقیات فردی خویش در ابعاد مختلفی چون عبادت، سخاوت، زهد و پرهیزگاری، ادب و صبر و استقامت و.. نمونه سرلوحه ی تمام شیعیان جهان اسلام هستند که در این بخش به شرح عناوین ذکر شده پرداخته خواهد شد.

۱- عبادت

«عبادت از ریشه ی عَبْدَ یعنی اظهار فروتنی و طاعت و فرمانبرداری. واژه ی عبادۀ از

عبودیّه بلیغ تر است زیرا عبادت نهایت فروتنی و طاعت است.»^۱

حال این نوع ستایش و خضوع در برابر هر فردی که موقعیت بالاتر از انسان را دارد

چه خضوع برده در برابر مولایش چه خضوع محتاج در برابر فرد غنی و بی نیاز و چه

خضوع بنده در برابر خدا همه و همه نوعی عبادت است.

عبادت در اسلام نوعی از خضوع و خشوع و نهایت اطمینان قلبی نسبت به معبود ازلی

است این نوع عبادت ریشه در فطرت آدمی دارد و مسئله ای انکار ناشدنی است.

«عبادت خداوند به ۳ وجه صورت می گیرد:

۱- خوف ۲- رجاء ۳- حب

۱- خوف: بعضی از مردم به خاطر ترس از عذاب الهی، تهدید و وعیدهای الهی است که

به عبادت خدا می پردازند.

۲- رجاء: عده ای هم به خاطر رسیدن به نعمت ها و کرامات و دریافت ثواب و درجاتی

که خداوند نوید آن را داده است به تقوا و التزام اعمال صالح می پردازند.

۳- حب: اما بهترین نوع عبادت که بیشتر مخصوص طبقه ی علمای اسلام است خداوند

را نه از ترس از عبادت و از روی طمع به ثواب بلکه او را عبادت می کنند چون خداوند

است که تنها سزاوار عبادت است و اوست که مالک سود و اراده ی انسان و بلکه لایق

تمامی صفات و اسماء حسنی است لذا محبت خدا چنان در دلهایشان جای گیر شده

است که فقط او را غایت و نتیجه ی همه ی امور می دانند و رضای او را مد نظر قرار

^۱ - المفردات فی غریب القرآن- انتشارات مرتضوی- تهران ۱۳۷۴ چاپ دوم تألیف راعظ اصفهانی

متوفای ۵۵،۲ مترجم غلامرضا خسروی اصفهانی ج ۲ ص ۵۴۰

می دهند»^۱. این بهترین و شایسته ترین نوع عبادت است که همان طور که گفته شد ائمه ی معصومین و علمای اسلام بیش از دیگران متصف به این صفت هستند.

امام رضا(ع) نیز همان طور که از نام مبارک ایشان پیدا است که تنها رضای الهی را در تمامی کارهایشان مدنظر قرار داشتند در مسئله ی عبادات خویش نیز از ویژگی ها و مزایای منحصر به فردی برخوردار بودند. «ابراهیم بن عباس می گوید: حضرت رضا (ع) شب ها کمتر به خواب می رفت و بسیاری از شب ها را بیدار بود. بعضی از شب ها را که از اول شب تا صبح بیدار می ماند و روزه زیادی می گرفت و روزه داشتن ۳ روز در هر ماهی را هرگز ترک نمی کرد و می فرمود: هرکس ۳ روز از هر ماه را روزه بگیرد مثل این است که همه ی عمرش را روزه گرفته باشد»^۲. فلسفه ی وجودی اقامه ی نماز در اوقات خویش و سربه بالین تراب گذاشتن در چنین انسانهایی به این دلیل بوده است که آن را وسیله ی تقرب به سوی خداوند متعال و عامل پاک شدن از تکبر و خود بزرگ بینی است. به همین دلیل امام رضا (ع) «بسیار کم خواب و شب زنده دار بود» تا از این طریق زمینه های عبودیت حقیقی را با تهجدهای شبانه ی خویش به دست آورد.

عشق به عبادت و پرستش خداوند متعال از جمله اموری است که در نهاد و قلب همه ی انسانهای عاشق وجود دارد و از طریق این عشق الهی است که آنها را به آرامش و طمانینه نائل می شوند. اصولاً اولیاء الهی نه تنها در عصر نبوت و امامت خود به این فضیلت بزرگ اخلاقی آراسته بودند بلکه قبل از رسیدن به این مقام بزرگ الهی تشنه ی

^۱ - پرورش روح (نماز و عبادت در تفسیرالمیزان) انتشارات بلوغ- بی جا- ۱۳۷۶ چاپ سوم تالیف

عباس عزیزی صص ۵۴-۵۳

^۲ - اخبار و آثار حضرت رضاع انتشارات کتابخانه ی صدر- تهران بی تا، تالیف عزیزاله عطاردی امام علی بن وسی الرضا منادی توحید و امامت - بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد-

۱۳۸۶ چ ۱۲ تالیف محمد جواد معینی و احمد ترابی صص ۲۷-۲۶

^۳ - ستارگان درخشان کتاب فروشی اسلامیة - بی جا- تالیف محمدجواد نجفی ج ۱۰ ص ۳۶

چنین حقیقتی بودند. البته در مورد برخی از امامان شیعه مثل امام رضا (ع) نقل شده است که حتی در شکم مادر خود نیز به تسبیح و تقدیس خداوند مشغول بوده و در هنگام تولد نیز با بلند کردن دستهای کوچک خود به سمت معبود خویش به راز و نیاز مشغول شد. آن چنان که این حقیقت بزرگ نیز از ناحیه ی مادر ایشان نیز اینگونه روایت شده است که فرمودند: «هنگامی که فرزند بزرگوار خود رضا(ع) را حامله شدم هیچ بار سنگینی در خود احساس نکردم و هنگامی که به خواب رفتم صدای تسبیح و تمجید حق تعالی از شکم خود می شنیدم و هنگامی که فرزند بزرگوار خود را به دنیا آوردم دیدم که او دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر مطهرش را روبه سوی آسمان بلند کرده و لب های مطهرش حرکت می کرد و سخنی می گفت که نفهمیدم و در آن ساعت امام موسی (ع) نزد من آمد و مرا گفت: گوارا باد تو را ای نجمه بر این فرزند و او را در جامه ای سپید پیچید و امام موسی (ع) در گوش راستش نماز خواند و در گوش چپش اقامت و آب رات طلبد و کامش را با آن برداشت و او را به من داد و فرمود که او حجت خدا بعد از من است»^۱.

به راستی این چنین خضوع در برابر یکتا معبود آفرینش و سر تسلیم در برابر او فرود آوردن، شایسته ی چنین انسانهای والامقام است.

آن چنان که این امام همام در عین دارا بودن از صفات نیک و بارزی که دارد اما در برابر معبود خویش سر به سجده می گذارد و اقرار به ناتوانی خود در برابر قدرت بی همتای او می کند و تنها او را شایسته ی تمجید و برتری از همه ی کائنات می داند. این اطمینان قلبی که از این طریق با یاد و نام خداوند حاصل می شود نکته ی بسیار با

^۱ - جلاء العیون - انتشارات قائم - بی - حا - بی - تا - تالیف محمد باقر مجلسی - ص ۵۴۴ منتهی الامال

انتشارات هجرت بی جا - ۱۳۷۳ چاپ ۸ شیخ عباس قمی ج ۲

اهمیتی است که ائمه ی معصومین بالاخص امام رضا (ع) با مد نظر قرار دادن این مهم در زندگی شان آن را سرلوحه ی زندگی همه ی مسلمین قرار داده اند خداوند متعال می فرماید: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر اله تطمئن القلوب»^۱.

آنها کسانی هستند که ایمان آورده و دل هایشان به یاد خدا آرامش می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرامش پیدا می کند.

(همان کسانی که که پس از بازگشت از بیراهه و گناه به یکتایی خدا و صفات ویژه ی او ایمان آورده و رسالت و دعوت پروردگارش را با جان و دل می پذیرند و به کتاب خدا ایمان آورده دل هایشان به یاد خدا به ساحل آرامش می رسد و آرامش می یابد)^۲.

اطمینان و سکینه ای که خداوند از آن یاد می کند به هیچ وجه قابل مقایسه با آرامش های کاذب مادی دیگر نیست بلکه آرامش حقیقی است که سعادت اخروی را به دنبال دارد. و کسانی را که خداوند به عنوان الگو برای ما برگزیده است تا منش اخلاقی و رفتاری آنها را سرلوحه ی زندگی مان قرار دهیم برگزیدگان الهی هستند که همواره خط و مشی آنها در حیات مسلمین موثر بوده است. آن چنان که امام علی (ع) در فضیلت طاعت و بندگی فرموده اند: «ان اولی الناس بالانبياء اعلمهم بما جاوا به»^۳.

شایسته تر و نزدیکترین مردم به پیغمبران داناترین ایشانند به آنچه را که آنان از جانب حق تعالی آورده اند. زیرا شایستگی و نزدیکی به پیغمبران به اثر طاعت و بندگی است و طاعت و بندگی به اثر دانستن احکام است که ایشان از جانب خدا آورده اند.

۱ - سوره رعد آیه ۲۸

۲ - ترجمه مجمع البیان فی التفسیر القران - انتشارات فراهانی تهران ۱۳۸۰ - چاپ اول تألیف ابوعلی

فضل بن حسن الطبرسی متوفی ۵۴۸ ترجمه علی کرمی ص ۲۶۵

۳ - نهج البلاغه علی (ع) انتشارات فیهی الاسلام بی جا - ۱۳۷۲ - ترجمه و شرح علنقی فیضی الاسلام

حکمت ۹۲ ص ۱۱۲۹

بنابراین بهترین عبادت و پرستش، تسبیح و تقدیس تنها معبود یگانه است که از این ره آورد می توان به آرامش حقیقی و ابدی دست یافت. از این رو پیامبر گرامی اسلام بهترین یاور و مونس انسان را در تمامی مراحل زندگی او خداوند و ذکر او می دانند و می فرمایند: «اذکر اله فانه عون لك علی ما تطلب». همواره خدا را یاد کن که او در آنچه می جویی یار و یاورت خواهد بود.

امید است که روزی انسانهایی که غوطه ور در عشق های کاذب و ستایش معشوقه های دنیایی اند به این درجه از باور و یقین برسند که تنها کسی شایسته ی تقدیس و پرستش است که برتر و نزدیکتر از هرکس به آدمی است و اوست که ذات پاک خویش را در فطرت انسان نهاد تا او قادر باشد در تمامی لحظات عمرش حتی زمانی که به اوج ناباوری از بی مهری روزگار پی می برد تنها و تنها به او بیندیشد و رو به سوی او کند و به ریسمان محبت الهی چنگ زند.

۲- سخاوت

«سخاوت از سخا گرفته شده و سخا النار و یسخواها یعنی اینکه اگر خاکستر آتش را از آتش پاک کنیم بهتر می سوزد و روشنائی اش بیشتر می شود. بنابراین تعریف سخاوت که از همین ریشه است موجب روشنایی و گرم کردن خانواده های بینوایان می شود».^۲

^۱ - پرتوی از پیامبر یا برگردانی از نهج الفصاحه انتشارات حلم قم- ۱۳۸۴ چاپ اول تالیف علی کرمی

فریدنی حکمت ۲۴۸ ص ۶۴

^۲ - www.farsnews.com

حضرت علی (ع) در بیان سخاوت می فرماید: «الجدود الذی یستطاع ان یتناول به کل احد هو ان ینوی الخیر لکل احد»^۱ جود و بخشش آن است که همه ی مردم بتوانند از آن بهره مند شوند و آن بدین معنی است که: بخشنده و جوانمرد برای همگان نیت خیر داشته باشد.

بنابراین سخاوت یعنی اینکه انسان از تمامی امکاناتی که دارد به تنهایی استفاده نکند بلکه دیگران را نیز در آن سهیم بدارد. این صفت نیک و حسنه در بسیاری از آیات و روایات دینی آمده است و به آن تاکید بسیار شده است و از جمله ی آثار نیکویی این فضیلت حسنه این است که خداوند به هر سخاوت نیک مومنی، پاداشی مضاعف به او می دهد.

«من ذالذی یقرض اله قرضا حسنا فیا ضعفه له و له اجر کریم»^۲.

کیست که از طریق انفاق به دیگران به خداوند وام نیکو دهد و خداوند در عوض مال او را چند برابر افزونی بخشد و نیز برای او پاداش الهی سخاوتمندانه ای خواهد بود. (خداوند به هیچ یک از بندگان خود نیازمند نیست و ما اگر مالک چیزی هم هستیم این همه از فضل اوست که به ما رسیده و دعوت او از ما برای انفاق به نفع خود ماست که با انفاق در راه او نفس های خود را پاکیزه می سازیم و در آخرت مزد و پاداش بزرگ می بریم. هم چنین او از ما نمی خواهد که تمام اموال خود را در راه او هزینه کنیم بلکه

^۱ - آثار الصادقین انتشارات روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان - قم ۱۳۶۹ چاپ ۱ تالیف

صادق احسان بخش ج ۸ ص ۳۹۵

^۲ - سوره ی حدید آیه ۱۱

فقط پاره ای از آن را می خواهد واژه ی قرض به معنی جدا کردن و بریدن (جزئی از کل) است).

پس انسان سخاوتمند می داند که در ازای انفاقات خویش به دیگران چه مادی و چه معنوی نه تنها چیزی از او و یا دارایی او کم نشده است بلکه خداوند متعال طبق پاداشی که برای این دسته از مردم قرار می دهد افزون تر از مقدار بخشش آنها خواهد بود. سخاوت را می توان از دو دیدگاه بررسی نمود:

الف: سخاوت مادی ب: سخاوت معنوی

الف- سخاوت مادی:

این سنت بزرگ و پسندیده در سیره ی معصومین و از جمله آنها امام رضا (ع) بسیار دیده می شود. مزین بودن ایشان به این صفت ارزنده و نیک برگرفته از ایمان و مبدا خیر بر مبنای فضل خداوند درباره ی ایشان سرچشمه می گیرد.

ملتزم شدن به این امر نیکو نه تنها برای ایشان بلکه برای اطرافیانشان نیز مهم بوده است و آنها را سفارش به بذل و بخشش به دیگران کرده اند. آن چنان که امام جواد (ع) به فرزند بزرگوار ایشان به این امر مهم سفارش شده اند تا مردم از وجود مبارک ایشان ر جهت سخاوت های مالی و غیر مالی بهره مند شوند. « بزنی نامه ای را روایت می کند که امام علی (ع) برای فرزندش جواد (ع) فرستاده و از آن روح سخا و بخشش و نیکوکاری که در نفوس اهل بیت (ع) راسخ و ریشه دار است را برای ما مجسم می سازد. او می گوید: نام ابوالحسن الرضا (ع) را به ابی جعفر جواد (ع) که بدین شرح بود خواندم. ای ابا جعفر به من رسید که هنگامی که سوار می شوی غلامان تو را از باب

۱- تفسیر هدایت- انتشارات آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۸- چاپ ۱ تالیف محمدتقی عبدوس ترجمه

صغیر بیرون می برند و این از بخل آنهاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که به تو دارم از تو می خواهم که ورود و خروج تو جز از باب کبیر نباشد و زمانی که سوار می شوی با خود دینار و درهمی بردار باید هرکسی از تو طلب کند به او بدهی و اگر کسی از عموهایت درخواست احسان کند به او کمتر از ۵۰ دینار مده و بیش از آن را مختاری. خواستار آنم که خدا مرتبه ی تو را بلند گرداند پس بخشش کن و به یاری خود از تنگدستی بیمناک باش.»^۱

از نکات اخلاقی مهم در سیره ی اخلاقی امام رضا (ع) این بوده است که همیشه از باب احسان و سخاوت خویش بهترین و مطلوبترین امر نیک و پسندیده را برای دیگران ترجیح می داند. بنابراین هیچ انسان نیازمندی نبوده که به ایشان مراجعه کند و از دریای بیکران رحمت و بخشش این امام عالی مقام بهره مند شود. چراکه در مراجعه به امام (ع) نه تنها نیازش مرتفع می شد بلکه مازاد بر نیازش به او کمک و احسان می نمودند تا بتوانند در بقیه ی اموراتش نیز استفاده کنند. «غفاری گفته مردی به نام و نشان از خانواده ی ابورافع مولای رسول خدا طلبی از من داشت و اصرار زیاد می کرد به زودی بدهی او را بپردازم و از آن جا که خود را در دست او ناتوان دیدم نماز صبح را در مسجد رسول خدا به جای آورده بلادرنگ حضور امام رضا (ع) شرفیاب شدم و تصادفاً آن روز هم ماه رمضان بود نزد حضرت رفتم و به ایشان عرض کردم فدای شما. فلان مولای شما طلبی از من داد و مرا رسوا ساخته است تا بدهی اش را بدهم ولی در وسع مالی من نیست خدمت جنابعالی رسیدم تا مرا از آسیب او حفظ نمائید و کمک مالی ام نمائید. حضرت دستور دادند تا در عریض بمانم تا زمانیکه حضرت خود

^۱ - علی بن موسی الرضا (امام رضاع) انتشارات دلیل ها- قم ۱۳۸۵ چاپ دوم تالیف مرضیه محمدخواه- صص ۱۰۹-۱۱۱ فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم (حضرت علی بن موسی الرضا) بی نا- بی جا چاپ دوم تالیف احمد خوشنویس ص ۴۸

مراجعت نموده و نیازم را مرتفع سازند. به هنگام افطار مرا فرا خواند و به من فرمودند که گمان دارم هنوز افطار نکرده . گفتم آری. سپس مرا امر کردند که برایم غذا آوردند. پس از افطار فرمودند که فرش را بالا بزن و هرچه قدر که می خواهی بردار در آن جا دینارهای چندی دیدم. برداشتم و رفتم. البته حضرت امر کرده بودند که چند تن از غلامانشان مرا تا خانه ام مشایعت کنند تا کسی قصد سرقت و دستبرد به من را نداشته باشد. هنگامی که به منزل رسیدم دینارها را شمردم. آنها ۴۸ دینار بود در حالی که نیاز من فقط ۲۸ دینار بود. در بین دینارها، دینار درخشنده ای بود که بر روی آن نوشته بود فلانی از تو ۲۸ دینار طلب داشت و اینکه طلب او را بپردازد و مابقی را صرف امورات دیگر خویش کن. سوگند به خدا که من مقدار بدهکاری خویش را با آن حضرت به طور قطع نگفته و معلوم نکرده بودم»^۱.

این چنین بذل و انفاق به یک فرد مستمند به طوری که او را شرمنده ی مولایش نسازد و برآورده ساختن نیاز یک فرد تا حد بیش از نیاز او و به دست آوردن آبرو و اعتبار اجتماعی اش درس اخلاقی بزرگ دیگری را به همراه دارد و اینکه هرچقدر این لطف و احسان پنهانی تر صورت گیرد مزایای اخلاقی و اخروی بسیاری را نیز برای فرد بخشنده به همراه خواهد داشت. زیرا که در سایه ی چنین صفاتی است که صفات رذیله ی عجب و غرور و تکبر در داشتن اموال و دارائی های آدمی از بین می رود و انسان باحس بذل و بخشش امکانات خویش به هم نوعش بالاخص انسان نیازمند از شادی و فرح خاصی برخوردار می شود که قاعدتاً این احسان درونی دست مایه ی لطف و

^۱ - الارشاد کتابفروشی اسلامیة - بی جا ۱۳۷۶ چاپ سوم تالیف
شیخ مفید ترجمه ی محمدباقر ساعدی خراسانی تصحیح محمدباقر
بهبودی صص ۵۹۸-۵۹۷

احسان و بلکه بالاتر اطمینان و باور قلبی نسبت به کاری است که منشا از ذات یگانه ی خداوند است.

«از طرف دیگر باید جنبه های روحی انفاق و سخاوت رعایت شود و در غیر این صورت زیان یک عمل از فایده اش بیشتر است. جنبه های روحی در فرد انفاق کننده که باید رعایت شود این است که کمک و دستگیری او نباید به صورتی درآید که شخصیت روحی طرف مقابل را خرد کند»^۱.

بنابراین سخاوت های مالی انسان هرچه قدر که پنهانی تر صورت گیرد آثار فردی و اجتماعی زیادتری را در پی خواهد داشت. زیرا که اولاً برای شخص بخشنده کبر و غرور نمی آورد. ثانیاً فرد نیازمند نیز شرمنده ی این بذل و بخشش نخواهد بود. قرآن کریم نیز در همین رابطه می فرماید: «ان تبدوا الصدقات فنعمایه ی و ان تخفوها و توتوها الفقراء فهو خیر لکم و یکفر عنکم من سیاتکم و الله بما تعملون خبیر»^۲. اگر به مستحقان انفاق صدقات آشکار کنید کاری نیکوست ولی اگر در پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید نیکوتر است و خدا به پاداش آن گناهان شما را مستور دارد و خدا از آشکار و نهان شما آگاه است.

در نتیجه ی این تقابل دوستانه حس مودت و انسان دوستی در جامعه نیز زیاد خواهد شد.

سخاوت معنوی (علمی):

همان طور که در تعریف سخاوت نیز آمده است سخاوت نوعی بخشش و انفاق است این انفاق تنها در حیطه ی مسائل مادی نمی گنجد بلکه به هر نوعی از اعطای و بخشش

۱ - حکمت ها و اندرزها - انتشارات صدرا بی جا ۱۳۸۶ چاپ ۲۲
تالیف مرتضی مطهری ج ۱ صص ۲۳۳-۲۳۲
۲ - سوره بقره آیه ی ۲۷۱

نیک و هر زمینه ای اطلاق می شود. از این رو نوع دیگری از سخاوت وجود دارد که می توان از آن به بخشش معنوی و علمی یاد کرد. یعنی فردی که بهره مند از علم و دانش و کمال مطلوب می باشد بتواند آن را با همه ی رضایت و باور قلبی خویش به هم نوعش اعطا کند. داشتن چنین ارزش اخلاقی در نهاد آدمی از دیگر صفات برجسته در ائمه ی اطهار(ع) بوده است. بنابراین در دنباله ی مباحث گذشته نوعی صفت بارز اخلاقی دیگر در وجود مبارک امام رضا (ع) مشاهده می شود و آن سخاوت های علمی ایشان است که نه تنها خود مزین به این منابع وسیع بوده اند بلکه دیگران را نیز به داشتن آن و تعلیم و ترویج آن سفارش می نمودند.

«صالح هروی گفت: یک روز از امام رضا (ع) شنیدم که فرمود: خداوند رحمت کند بنده ای را که برنامه و کارهای ما را ترویج نموده و زنده بدارد. عرض کردم: آقا! چگونه برنامه شما را زنده بدارم؟ فرمود: دانش و علوم سخنان ارزشمند ما را بدانند و از کار، برنامه، سیره و منش نیک ما آگاه شوند از سنت و سیره ی ما پیروی می کنند»!

بنابراین فراگیری علم و دانش و ترویج آن به دیگران از جمله سنت های مهم در سیره ی ائمه ی اطهار (ع) بوده است و چون امام رضا (ع) از چنین جایگاهی برخوردار بودند لذا دیگران را نیز سفارش به این امر مهم می نمودند. هم چنین آگاهی به علوم مختلف از قبیل فراگیری زبان ها و لهجه های مختلف مردم از هر قوم و سپس تعلیم آن به دیگران از دیگر نکات مهم و قابل اشاره است که در ذیل به نمونه ای از آن اشاره خواهد شد.

«داود جعفری گفته با مدادی با حضرت رضا(ع) صبحانه می خوردم امام رضا (ع) با برخی از غلامان صقلبی با زبان صقلابی و با برخی به پارسی حرف می زد گاهی من

^۱ - پاره ای از بهشت (سیره رضوی) انتشارات پیام آزادی بی جا ۱۳۸۱ چاپ ۱ تالیف محسن غفاری ص ۱۸۸

غلام خودم را می فرستادم تا از غلام پارسی زبان آن حضرت پارسی بیاموزد و بسا لغتی بر غلام آن حضرت مشکل می افتاد و حضرت اشتباه او را برطرف می کرد.^۱ بنابراین دارا بودن صفت اخلاقی سخاوت از جمله صفات پسندیده است که در متون دینی مسلمانان به آن بسیار سفارش شده است پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «الجنة دار الاسخياء». ^۲ بهشت خانه اهل سخاوت است. هم چنین گفته شده است: «آدم سخی به خدا و بهشت مردم نزدیک است و بسا از این صفت که انسان اگر آن را داشته باشد از کشته شدن نجات پیدا می کند خطاب شده به حضرت موسی که سامری را نکش. چون سخاوت دارد». ^۳ و اینگونه است که اگر آدمی در اوج ذلت و پستی نفس باشد و در عین حال، انفاقات نیک هم در جای خود داشته باشد همین امر می تواند راهگشای او برای رسیدن به پاکی درون شود و مورد بخشش و مغفرت الهی قرار گیرد.

روایت دیگری نیز وجود دارد که دال بر سخاوت های علمی ایشان به دیگران است. امام رضا (ع) هنگامی هم که در مقام مناظره با اندیشمندان مختلف در حوزه ی مسائل گوناگون به بحث و مناظره می نشستند با تعهد به وظایف اخلاقی و انسانی خویش تمامی سوالات را پاسخگو بودند. «ایشان با کمال احترام به یکایک پرسش ها و شبهات و مسائل آنان پاسخ می دهد و از هیچ رویارویی علمی روی برنمی تابد و یک تنه از عهده ی این مواجهه برمی آید و از طرح هیچ شبهه ای از سوی مناظره کنندگان دغدغه ای به خود راه نمی دهد و اینگونه معنای امام بودن را در فرهنگ اسلامی در عرصه ی

^۱ - ترجمه ی عیون الاخبار الرضا انتشارات کتابفروشی اسلامیة بی جا ۱۳۹۶ق تالیف شیخ صدوق متوفی ۳۸۱هـ مترجم عبدالحسین رضائی محمدباقر ساعدی ص ۱۸۸

^۲ - ثمرات الحیات انتشارات قائم آل محمد قم ۱۳۷۸ چاپ ۲ تالیف محمود امامی اصفهانی تحقیق و ویرایش محمد ملکی ج ۲ ص ۵۱۸

^۳ - همان صفحه

دید جهانیان می گذارد»^۱ و این بیان کننده ی تسلط ایشان در امر پاسخگویی به سوالات متعدد در حوزه ی مسائل مختلف بوده است و دانشمندان از انوار ان حضرت بهره مند می شدند و همواره اعتراف بر مقام و الای ایشان می نمودند و در واقع سخاوت های علمی ایشان بوده است که باعث شده ایشان این رسالت جهانی را به نحو احسن انجام داده و در معرض دید همگان قرار می دهند. گسترش حیطه ی علم و دانش ایشان و نشر آن به دیگران تنها در جهان مادی نمی گنجد بلکه جن و انس نیز از دریای علم و معرفت ایشان بهره مند بوده اند. فضل اله بن روزبهانی خنجی اصفهانی (م ۹۲۷) در شرح این صفت اخلاقی ایشان این چنین روایت می کند: «اللهم وصل و سلم علی الامام الثامن السید الاحسان السند البرهان حجه اله علی الانس و الجان الذی هو لجنه الاولیاء سلطان صاحب المروه و الجود و الاحسان»^۲.

بار خدایا درود و صلوات فرست بر امام هشتم. آن حضرت مهتر نیکو خصال، نیکوکار، نیکوسیرت را اشاره به این است که آن حضرت جامع انواع محاسن صوری و معنوی و مکارم خلقی و خلقی بود و گویا نیکویی صفت ذات اوست و احسان، صناعت و پیشه ی او. او حجت خدای تعالی بر انس و جن است (و این اشاره به آنچه از اوصاف ائمه ی هدی است که ایشان حجت خدای تعالی بر انس و جن اند. روایت کرده اند هم چنان که انسان از آن حضرت تلقی علوم و معارف می کرده اند جن در صحبت آن حضرت حاضر می شده اند و علوم و معارف را از آن حضرت فرا می گرفته اند و قواعد دین را می آموخته اند. پس آن حضرت حجت خدای تعالی بر انس و جن باشد. و آن حضرت بر لشگر اولیاء سلطان است و صاحب مروت و سخاوت و احسان است. و این اشاره به

^۱ - www.tebyan.com

^۲ - امامان اهل بیت (ع) در گفتار اهل سنت - انتشارات مکتب اسلام - بی جا - ۱۳۷۷ چاپ اول - تالیف داود الهامی صص ۴۲۵-۴۲۴

جود و بخشش آن حضرت است که در عالم مشهود بوده و تمامی ائمه ی هدی اگرچه موصوف به این وصف کامل بوده اند و لیکن آن حضرت را مزید اختصاص به این وصف بوده است و حکایت جود و بخشش و کرم آن حضرت مشهور است .

یکی از مهمترین مسائلی که امروزه باید توجه خاصی و اکید به آن را داشت توجه به نشر علوم و فنون در زمینه های مختلف است با توجه به پیشرفت جوامع بشری و وجود اندیشمندان و عالمان بالاخص در جامعه اسلامی ضرورت نشر و فراگیری علم و دانش روز به روز بیشتر می شود.

از جمله نکات مهم در این رابطه این است که علما و اندیشمندان از علوم مختلفی که از آن بهره مند هستند در جهت انتقال آن به دیگران گام مهمی را بردارند. خوشبختانه در این مورد فعالیت های بسیاری صورت گرفته است گسترش علوم در رشته های مختلف وسعت مراکز و موسسات علمی و آموزشی با وجود انسانهای فرهیخته و دانشمند از جمله آن است.

و اما نکته مهم تر و قابل توجه این است که تمامی این افراد تعلیم دهنده بدانند که نباید در تحت هیچ شرایطی از این رسالت و وظیفه بزرگ و معنوی خویش سرباز زنند بلکه همواره همه ی سعی و هم آنها در جهت تعلیم هرچه بیشتر و بهتر علوم و شکوفایی انسانهای بااستعداد در زمینه های مختلف علمی باشد. بنابراین این نوع سخاوت ریشه در وجدان پاک آدمی دارد. زیرا او نیز خواستار این است که دیگران نیز همانند او بتوانند بهره مند از تمامی علوم سازنده و نیک باشند. بنابراین با درونی کردن این صفت نیک در نهاد آدمی می توان جامعه ای کاملاً پویا و سازنده در جهات مختلف علمی را پایه گذاری نمود.

۳- زهد و پرهیزگاری:

«زهد عبارت است از بی رغبتی به دنیا و اینکه با قلبت طالب دنیا نباشی مگر به قدر ضرورت. امام علی (ع) می فرماید: الزهد فی الدنيا قصر الامل و شکر کل نعمته و الورع عن کل ما حرم اله عزوجل. زهد از دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزو و شکر هر نعمت و پرهیز از تمام آنچه که خداوند حرام کرده است»^۱.

نکته ی حائز اهمیت این است که زهد به معنی ترک کردن تمامی وظایف و تکالیف دنیوی نیست بلکه به معنی قانع بودن به امکانات دنیوی در حد نیاز و قطع نظر کردن از غیر خدا است تا در نهایت همه ی اینها آدمی به آن پاداش و درجات معنوی و اخروی برسد. امام علی (ع) درباره بی اعتباری و زودگذر بودن دنیا می فرماید: «الدنيا خلقت لغيرها و لم یخلق لنفسها»^۲. دنیا برای دیگری آفریده شده است و برای خود آفریده نشده است. دنیا راهی است به آخرت که باید آدمی در آن بندگی کند تا پاداش یابد نه آنکه همیشگی باشد که فقط در آن خوش بگذراند.

پس خوش به حال کسی که توشه ای از زهد و تقوا داشته باشد. این فضیلت نیک در بین تمامی انبیاء الهی و ائمه ی معصومین (ع) وجود داشته است. زیرا آنها با داشتن چنین صفات برجسته ای برگزیده شده اند برای هدایت مردم تا همگی این انسانهای وارسته و بزرگ را سرلوحه ی زندگی خویش قرار دهند.

پیشوای هشتم شیعیان اسلام، امام رضا(ع) نیز آراسته به این مرتبه ی نیک بوده اند تا جایی که تمامی مردم و حتی گروههای مختلفی که به دیدن ایشان می آمدند و ایشان را از نزدیک ملاقات می کردند قائل به این امر بودند زیرا که ایشان زهد و مراتب آن و وارستگی را در تمامی جوانب زندگی رعایت می کردند و با آگاهی از حقیقت زندگی و

^۱ - اخلاق ترجمه ی کتاب الاخلاق انتشارت هجرت- بی جا - ۱۳۷۴
چاپ اول- تالیف عبدالله شبر مترجم محمدرضا جباران صص ۴۰۰-۳۹۹
^۲ - نهج البلاغه- انتشارت فیض الاسلام- بی جا- ۱۳۷۲ ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام حکمت ۴۵۵ ص ۱۲۹۸

عاقبت خویش و پرهیز از دنیاپرستی به فضل و معرفت و زهد واقعی رسیدند و از این جهت برگزیده ی خداوند شدند. «در نثر الدر آمده است که گروهی از صوفیان در خراسان به امام رضا(ع) وارد شدند و به آن حضرت عرض کردند که امیرالمومنین (ع) درباره ی امری که خداوند بر عهده ی او گذاشته اندیشه کرد و دریافت که شما اهل بیت از همه ی مردم به امانت و پیشوایی امت سزاوارترید. سپس به اهل بیت نظر انداخت و دانست که تو از همه ی آنان شایسته تری. از این رو بر آن شد امر خلافت را به شما بازگرداند. اکنون امت به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه اش خشن و طعامش ساده باشد و بر الاغ سوار شود و از بیمار عیادت کند»!

با سرلوحه قرار داده این الگوی اخلاقی و ترتیبی باید دانست که یکی از نکات مهم در امر هدایت و رهبری جامعه برای کسی که خواهان اداره کردن و مدیریت یک بخش یا جامعه ای است این است که خودش را هم سطح با مردم زمان و عصر خویش سازد. در پرتو این سازگاری است که ارتباط هرچه بیشتر و صمیمانه تر مردم و رهبری جامعه برقرار می شود. نیز اعتقاد متقابلی را بین مردم و رهبر فراهم می سازد و نهایتاً موفقیت مدیریتی را به همراه خواهد داشت. پس با تامل در سیره ی اخلاقی امام رضا(ع) مشاهده می شود که ایشان هم به عنوان فردی که مسئولیت هدایت و رهبری جامعه ی مسلمین را به عنوان ولی عهد خلافت مامون دارند در سراسر زندگی شان به این امر مهم پای بند بوده اند. «اباصلت هروی می گوید: امام غذایی ساده داشت و خوراکی اندک. بنابراین هنگامی که تنها و از صحنه ی زندگی عمومی دور بود روش آن حضرت با طبیعت او که دوری گزیدن از پدیده های پوچ و زخارف دنیا است هماهنگی

^۱ - علی بن موسی الرضا- امام رضا علیه السلام- مرضیه محمدخواه صص ۱۰۳-۱۰۱

داشت. او حتی زمانی که رسماً ولی عهد خلافت بود از همان زهد و پارسایی و ساده زیستی جدایی نداشت»^۱.

زهد و وارستگی است که باعث می شود انسانی که خواهان رشد و کمال در مسیر هدایت است بتواند با موفقیت در این شاهراه قرار گیرد و تمام موانعی که انسان را از این مسیر دور می سازد را کنار بزند. این دنیا محل گذر است پس نباید به آن وابسته بود بلکه با وارستگی از دنیا و بی اعتنایی به ارزشهای پوچ و فریبنده آن است که می توان بالاترین درجه ی خودسازی و زهد و پرهیزگاری رسید. همچنین روایت دیگری نیز وجود دارد که تصریح به زهد و وارستگی این امام همام دارد. «علی بن محمد، عن سهل بن زیاد، عن علی بن محمد القاسانی قال: اخبرنی بعض اصحابنا انه حمل الی ابي الحسن الرضا مالاله خطر فلم اراه سر به قال: فاغتمت لذلك و قلت فی نفسی: قد حملت هذا المال و لم یسر به فقال: صب علی الماء قال: فجعل یسیل من بین اصابعه فی الطست ذهب ثم التفت الی فقال لی: من کان هكذا (لا) یبالی بالذی حملته الیه»^۲.

علی بن محمد قاسانی می گوید: پول بسیاری را نزد امام رضا(ع) آوردم ولی آن حضرت از این شادمان نگشت. من اندوهگین شدم و با خود گفتم: چنین پولی برایش می آورند و او خوشحال نمی شود. امام فرمود: ای غلام آفتابه و لگن بیاور سپس بر روی تختی نشست و دستش را گرفت و به غلام فرمود: آب بریز راوی می گوید همینطور طلا بود که از میان انگشتان در طشت می ریخت سپس متوجه من شد و فرمود: کسی که چنین است به پولی که تو برایش آورده ای اعتنایی ندارد.

۱ - - علی بن موسی الرضا - امام رضا علیه السلام - مرضیه محمدخواه صص ۱۱-۱۰۹

۲ - اصول کافی - انتشارت ولی عصر(عج) بی جا ۱۳۷۷ چاپ دوم تألیف محمدبن یعقوب کلینی ۳۲۹ ق -

ترجمه جواد مصطفوی ص ۴۱۲

آری امام رضا(ع) چنین بود که با همه ی امکانات مالی و دنیوی که داشت اما نسبت به همه ی آنها بی اعتنا بود ایشان در واقع ادامه دهنده و پیرو سنت و سیره ی نبوی هستند چراکه پیامبر اکرم نیز این چنین زندگی می کردند.

بنابراین برای انسان عاقل و عالمی که از این دنیای مادی ماورای آن را می بیند تا بتواند به حقیقت راستین دست یابد این دنیای سراسر از ریا و تزویر برای او جایگاهی ندارد. پس خود را اسیر تعلقات مادی و شهوانی نمی کند. بلکه همواره تلاش و فعالیت او در این دنیا در راه رسیدن به مقامات روحی و معنوی در جهان دیگر است.

امام رضا(ع) می فرماید: «هرکه صبح و شام کند و بدن او صحیح باشد و از کسی مضطرب و خائف نباشد و قوت شبتنه روز خود را داشته باشد گویا که همه ی دنیا از برای او برای او جمع است و شکی در این نیست»^۱.

امید است که با پند گرفتن از رهنمودهای این بزرگان و پرهیز از زخارف پوچ دنیوی، در آن صراطی قدم بگذاریم که مورد رضای الهی است.

۴- ادب:

یکی از اصول مهم در تمامی تعاملات اجتماعی که لازمه ی آن رعایت هنجارهای یک جامعه مطابق با موازین و اصول حاکم بر یک جامعه است رعایت ادب و احترام هم به شخصیت خویش و هم به دیگران است که در صورت عدم داشتن چنین ویژگی بارز شخصیتی دیگران آن طور که باید و شاید به شخصیت متقابل احترام نمی گذارند. زیرا که او را شایسته ی چنین عزت و احترامی نمی بینند. بنابراین رعایت هنجارهای یک جامعه بالاخص در یک جامعه ی اسلامی امری لازم و ضروری است. بنابراین سنن و قوانینی که در جامعه حکم فرماست از همان هنجارهای مخصوصی برخوردار است که

^۱ - معراج السعاده- انتشارات دهقان- بی جا- تالیف ملا احمد تراقی-متوفی ص ۲۷۹

بر همه ی افراد جامعه لازم و ضروری است که آنها را رعایت کنند. در سیره ی پیشوایان دینی به نمونه های متعددی از برخوردهای مودبانه ی ایشان دست می یابیم. و گفته اند «کمال ادب هیچ کس را نبود مگر انبیاء و صدیقان را»^۱.

در وجود مبارک امام رضا(ع) نیز این صفت اخلاقی بسیار مشهود است از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده که گفته: «من ابوالحسن الرضا(ع) را هرگز ندیدم که سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند. هرگز پاهای خود را جلوی هم نشین دراز نمی کردند و هرگز ندیدم آب دهان بیندازد و هرگز ندیدم که امام رضا(ع) با سخنش کسی را ناراحت کند و برنجاند»^۲.

آیا به کار گرفتن چنین منش اخلاقی و رفتاری در جامعه ی کنونی ما که آدمی از نبود موازین اصلی و اخلاقی و یا عدم رعایت حقوق انسانی رنج می برد لازم و ضروری نیست؟ قرآن کریم می فرماید: «قل لعبادی یقولوا التی هی احسن ان الشیطان ینزع بینهم ان الشیطن کان للانس عوا مبینا»^۳.

(ای محمد) بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را به زبان آرید که شیطان چه بسیار میان شما دشمنی و فساد می انگیزد زیرا دشمنی او با آدمیان واضح و آشکار است. (منظور از بهترین سخن بهترین از نظر توام بودن با فضایل اخلاقی و انسانی است و

^۱ - ترجمه ی رساله ی قشیریه - شرکت انتشارات علم و فرهنگ بی جا - ۱۳۷۴ چاپ چهارم تصحیح و استدراک بدیع الزمان فروزانفر ص ۴۸۲

^۲ - قطره ای از دریای فضایل اهل بیت - نشر حاذق - بی جا - ۱۳۸۴ چاپ چهارم تالیف سید احمد مستنبت - مترجم محمدحسین رحیمیان - ج ۲ - ص ۶۹۴ - <http://hassanmojtaba.blogfa>

^۳ - سوره اسراء ایه ۵۳

ترک قول احسن و کشیده شدن به سوی لجاجت و مخاصمه سبب می شود که شیطان در میان آنها رسوخ کرده و فتنه ایجاد کند)!

بنابراین رعایت ادب و خش لحنی در سیره ی اخلاقی و عملی ائمه ی معصومین امری کاملاً طبیعی بوده است که در ابتدای امر خود را ملزم به رعایت کردن این صفت اخلاقی کرده اند و بعد دیگران را متذکر شده اند. این یک الگو و سرلوحه ی اخلاقی برای همه ی مسلمانان است و برماست که از آن پیروی کنیم.

۵- صبر و استقامت:

صبر به فرموده ی خواجه نصیرالدین طوسی «نگهداری نفس از بی تابی در ناملايمات است. به گفته ی او صبر مانع اضطراب درونی و شکایت زبانی و حرکات غیر عادی اعضا و جوارح است. و انسان بی صبر باطنی مضطرب و دلی لرزان دارد و این مصیبت بزرگ الهی راحتی را از انسان سلب می کند. در منازل السائرین هم صبر به نگهداری نفس از شکایت بر ناراحتی پنهان معنی شده است»^۱. در این رابطه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثطرات و بشر الصابرين»^۲.

و البته شما را به سختیها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و بشارت و مژده ی آسایش از آن سختی ها صابران راست.

۱ - تفسیر نمونه دارالکتب الاسلامیه تهران ۱۳۷۶ ه. ش چاپ چهاردهم - تالیف مکارم شیرازی و همکاران ج ۱۲ ص ۱۵۸ با دخل و تصرف

۲ - برکرانه ی شرح چهل حدیث امام خمینی - انتشارت عروج - بی جا - ۱۳۸۷ چاپ اول تالیف جواد محدثی - ج اول صص ۱۴۰-۱۳۹

۳ - سوره بقره آیه ۱۵۶

(خالق عالمیان اگرچه عالم السر و الخفیات است و از سرائر و ضمائر بندگانش اطلاع دارد ولی باز بندگان را به جهت حکمت ها و مصلحت ها که امتحان می کند تا باطن ها ظاهر شود و هرکس بفهمد چه استحقاق دارد و حجت بر مردم تمام شود).^۱

اصولاً آدمی در برابر مسائلی که در زندگی با آن روبه رو می شود مواضع مختلفی را از خود نشان می دهد عده ای از انسانها در مقابل مشکلاتی که در زندگی با آن روبه رو می شوند به زودی ناامید شده و سر ناسازگاری را با همه ی اطرافیان خود و حتی در مقابل معبود خویش می گذارند در حالی که غافل از همه ی حکمت هایی هستند که در سرنوشت آنها مقدر شده است. و بالعکس عده ای هم همیشه شاکر و صابر در برابر همه ی موانع و مشکلات و مصایب روزگار هستند و در واقع مصداق بارز صبر و بردباری هستند. اینان همان مومنان حقیقی هستند که دنیا اگر با همه ی جاه و مکننش در اختیار آنها باشد و یا اگر همه ی این مقامات را از آنها بگیرد و آنها را غرق در مصایب و مشکلات بسیار سازد در برابر درگاه الهی هیچ شکوه و زاری نخواهند کرد بلکه همواره سپاس گزار هستند و بهترین و شایسته ترین بندگی را برای او به جا می آورند.

با مراجعه به تاریخ نمونه های بسیاری از این انسانهای برگزیده مشاهده می شود که یکی از نمونه های بارز آن علی بن موسی الرضا، امام رضا(ع) است. صبر و استقامتی که ایشان در تمامی دوره های زندگی خود داشته اند چه صبر و مقاومتی که در زمان دوری از خانواده و اهل و عیال داشته اند و یا صبر در مقابل فشارهای وارد از دستگاه حکومت عباسی بسیار ستودنی است.

^۱ - ثمرات الحیات تألیف محود امامی اصفهانی ج ۲ ص ۳۶۱

«امام رضا(ع) در دوران زندگی شان و زندانی بودن پدر بزرگوارشان مکرر سعه صدر از خود نشان می دادند و مراقب اهل و عیال پدر ارجمندشان بودند. ایشان اهل حلم و شکیبایی بودند در برابر افرادی که با ایشان ستیزه و نزاع داشتند حلم و صبر می ورزیدند. در برابر دهن کجی های دیگران سعی می کردند سکوت کنند. افرادی بودند که نسبت به ایشان بی احترامی می کردند. اما این امام بزرگوار در برابر آنها خاموشی را انتخاب می کردند»^۱.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «طوبی لعین رزقه اله الكفاف ثم صبر علیه الصبر و الاحتساب افضل من عتق الرقاب و یدخل اله صاحبهن الجنة بغیر حساب»^۲.
خوشا به حال کسی که خدا به قدر کفاف روزیش کند پس بر آن صبر نماید و نیز فرمود صبر و آرامش از آزاد کردن بندگان برتر است و خدا صاحب آنها را بی حساب بهشت می برد.

امام رضا(ع) نیز با استعانت از فرموده ی پیامبر(ص) و قبول شرایط سخت حاکم بر زندگی خویش تمامی مصیبت های وارده بر زندگی اش را تحمل می فرمود.

روایت یاسر خادم تایید کننده ی این مسئله است که می گوید: «امام رضا(ع) در دوران ولایت عهدی تاچه اندازه از ناراحتی و فشار درونی و سوء رفتار از مامون و دستگاه او دچار حزن و اندوه بوده است اما همه ی اینها را با صلابت و صبر و سکوت تحمل می فرمود. به عنوان مثال در روز جمعه هنگامی که امام رضا(ع) از مسجد باز می گشت و عرق و غبار بر آن حضرت نشسته بود دست های خود را به آسمان بلند کرد و

^۱ - www.tebyan.com

^۲ - دستورات زندگی انتشارات مقدم- بی جا- ۱۳۸۲ تالیف محمدتقی مقدم ص ۲۸۸

می گفت خداوند! اگر فرج و رهایی من از آن چه در آنم به مرگ است شتاب فرمای و همین ساعت آن را برسان!»!

شاید یکی از علل مقاومت ایشان در برابر دستگاه حاکم تحمل سختی ها و تن دادن به این مصایب فقط و فقط برای مردم در جهت تامین رضایت عمومی بود تا به واسطه ی آن بتوانند با ورود به دستگاه عباسی بسیاری از حقوق و امتیازات از دست رفته ی مردم را با وجود همه ی سختی هایی که در این مسیر بود باز یابند.

تحمل سختی ها و شدائد در شرایط سخت و جان فرسا نیازمند یک سعه ی صدر از جانب خداوند متعال برای انسان گرفتار در سختی ها و مشکلات است و البته باید دانست که قبول این شرایط و صبر در برابر همه ی آنها از جمله توفیقات و امدادهای الهی است که اگر نصیب انسان نشود آدمی راه به جایی نخواهد برد.

نکته ی دیگر اینکه خداوند از زمانی که انسان را آفرید همواره او را به انواع آزمایشها و امتحانات الهی دیگر آزموده است تا میزان صبر و استقامت او را در برابر حوادث و مشکلات بسنجد تا در نهایت بندگان خالص و سپاس گذار از بندگان ناسپاس و بی طاقت معلوم شوند.

در این رابطه همواره پیامبران الهی و ائمه معصومین در برابر امتحانهای الهی سربلند و سرافراز بوده اند. داستان حضرت ابراهیم در مورد آزمایشهای الهی که در مورد او صورت گرفت در قرآن کریم آمده است: «و از ابتلی ابراهیم رتبه بکلمت فاطمه قال انی جاعلک للناس اماما و من ذریتی قال لاینال عهدی للظالمین»^۲. به یاد آور هنگامی که ابراهیم را به اموری چند (مانند اعمال حج و کشتن فرزند و افتادن در فتنه ی آتش

^۱ - www.razavi.ir تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع) بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

مشهد ۱۳۷۲ چاپ سوم تالیف محمد جواد فضل اله مترجم محمد صادق عارف ص ۵۴

^۲ - سوره بقره آیه ۱۲۴

نمرود و..) امتحان فرمود و او و همه را به جا آورد. خداوند به او گفت من تو را به پیشوایی خلق برگزینم. ابراهیم عرض کرد این پیشوایی را به فرزندان من نیز اعطا خواهی کرد فرمود آری اگر عادل و صالح و شایسته ی آن باشند. که عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید.

(امتحان جز با برنامه ی عملی صورت نمی گیرد عمل است که صفات درونی انسان را ظاهر می سازد نه گفتار همان طور که ممکن است درست و راست باشد ممکن است دروغ و خلاف واقع باشد. منظور از امتحان ابراهیم که در اینجا با عنوان کلمات آمده یعنی آن الفاظ و وظایف عملی که برای آن جناب معین شده است و از عهد و پیمان و دستورات عملی ها حکایت می کند)!

مسئلاً ائمه معصومین نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند. امام رضا(ع) هم همیشه در باب مقدرات الهی مرضی به رضای الهی بوده اند. «رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب اله الا ان حزب اله هم المفلحون»^۱.

خداوند از آنها خشنود است و آنان هم از او خشنود هستند اینان خدا خواهانند بدانید که خداخواهان رستگارند.

به همین دلیل خداوند متعال انسان را می آزماید تا فرد صادق و راستگو از شخص دروغگو و متظاهر به ایمان باز شناخته شود. «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون ولقد فتنا الدین من قبلهم فلیعلمن اله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین»^۲. آیا مردم پنداشته اند که با گفتن اینکه ایمان آوردیم رها می شوند و هرگز مورد آزمایش

^۱ - ترجمه تفسیر المیزان دفتر انتشارات اسلامی قم بی تا- تالیف محمد حسین طباطبایی متوفی

، مترجم محمدباقر موسوی همدانی ج ۱ ص ۴۰۶

^۲ - سوره مجادله - آیه ۲۲

^۳ - سوره عنکبوت - آیات ۲-۳

قرار نمی گیرند؟ ما امت هایی را که پیش از آنان بوده اند آزمایش کردیم خدا راستگویان را از دروغگویان کاملاً باز می شناسد.

امام رضا(ع) هم از جمله ی حجت های الهی هستند که با تحمل صبر و استقامت در برابر شدائد زندگی و عمل نمودن به فرامین و دستورات الهی در زندگی خویش در راستای صدیقان قرار گرفته اند و زندگی سراسر از پند و عبرت ایشان که توأم با انواع سختی ها و تحمل ایشان در برابر همه ی اینها بوده است برای همه ی مسلمین الگو و سرلوحه ی زندگی خواهد بود.

«صبر یکی از منازل و مراحل رهروان دین و از مقامات اهل توحید است. و به واسطه ی آن بنده در صف مقربان بارگاه الهی درمی آید و به جوار پروردگار عالمیان واصل می شود. و خداوند بیشترین درجات و خیرات را به صبر نسبت داده»^۱.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «سیاتی علی الناس زمان لاینال الملک فیه الا بالقتل و التجبه و لا الغنی الا بالغضب و البخل و لا المحبه الا باستخراج الدین و اتباع الهوی فمن ادرك ذلك الزمان فصبر على الفقر و هو يقدر على اغلنى و صبر على البغضه و هو يقدر على اغلنى و صبر على البغضه و هو يقدر على المحبه و صبر على الذل و هو يقدر على العز آتاه الله ثواب خمسين صديقا ممن صدق بي»^۲.

بزودی زمانی بر مردم آید که پادشاهی جز به وسیله ی کشتن و ستمگری به دست نیاید و ثروت جز با غضب و بخل پیدا نشود و دوستی جز به وسیله ی بیرون آمدن از دین و پیروی هوی و هوس حاصل نشود پس هرکه آن زمان را دریابد و بر فقر صبر کند با آنکه بر تحصیل ثروت توانایی داشته باشد و بر دشمنی صبر کند با آنکه بر

^۱ - علم اخلاق اسلامی - ترجمه ی کتاب جامع السادات - انتشارات حکنت - تهران ۱۳۸۵ - چاپ ۸ تالیف

مهدی نراقی ترجمه ی جلال الدین مجتوبی ص ۳۶۲

^۲ - همان ص ۳۶۵

دوستی (از راه نادرست) توانا باشد و بر ذلت صبر کند و حال آنکه بتواند عزت به دست آورد خدا ثواب پنجاه صدیق از کسانی که مرا تصدیق نموده اند به او بدهد.

از این نظر عمل نمودن به سیره ی نبوی و به تبع آن پیروی ائمه اطهار از این الگوی اخلاقی - تربیتی درس های بزرگی را به همراه خواهد داشت و آن اینکه ائمه اطهار در سیر حیات خود با مسائل متعددی روبه رو بوده اند و این مسائل گاه در جهت موافق و مطلوب بوده و گاه برخلاف سیر طبیعی زندگی بوده است و ایشان همواره در رویارویی با تمامی این موارد با توکل بر خداوند صبر و استقامت را اساس کار خود قرار می دادند از این رهگذر به بالاترین درجات ایمان و قرب الهی رسیده اند.

بنابراین به جاست که مسلمانان با دقت نظر در سیره ی ایشان و در برخورد با مسائل متعددی در زندگی و موانعی که در این راستا وجود دارد این صفت بزرگ اخلاقی در ائمه ی اطهار و از جمله ی آنها امام رضا(ع) را مدنظر قرار داده تا بتوانند با دارا بودن این سعه ی صدر از نوعی زندگی پرنشاط و ایده آل بهره مند شود.

بخش دوم

اخلاق سیاسی

مقدمه

۱- مسئولیت پذیری

۲- رعایت امانت

۳- التزام به تعهدات

۴- برخورد های مودبانه با دستگاه حاکم

الف - عمل به سیره پیامبر اکرم

ب- موعظه

۱- رهنمود های اخلاقی امام به مامون

۲- رهنمود های اخلاقی امام به شیعیان

۳- احقاق حقانیت امور در حوزه سیاسی

اداره ی امور سیاسی یک جامعه نیازمند یک برنامه ریزی دقیق و جامع در تحت و لوای حاکم و مسئولی دلسوز است که با درایت و دقت نظر خویش بتواند از عهده ی وظایف خویش برآید و البته این دقت عمل در سیره ی پیشوایان دینی ما نیز بسیار مشاهده می شود.

بنابراین یکی از نکات مهم در زندگی امامان شیعه که جزء لاینفک آن محسوب می شود توجه به امور سیاسی زمان خویش است چراکه آنها سیاست را از دیانت جدا ندانسته و همواره برخورد لازم و واجب می دانستند که با طاغوتیان زمان که همیشه ندای جدایی دین از سیاست را سر می دادند مبارزه کنند و از جمله سیاستهای آنها این بود که با باریک بینی و دقت نظر خاص توسط افراد ورزیده و متعهد در درون حکومت های جائر نفوذ کنند و با استفاده از تاکتیک اخلاقی و شرعی تقیه سعی در حفظ تشیع و حمایت از آن کنند.

از جمله نکات برجسته و مهم در زندگانی امام رضا(ع) نیز حیات سیاسی- اخلاقی ایشان است در مدتی که ایشان به عنوان ولیعهد مامون بودند. «البته ناگفته نماند پذیرفتن ولایت عهدی مامون با اجبار و با تهدیدات بسیار از جانب مامون بوده و به همین دلیل ایشان را از مرو به خراسان خواست تا پیشنهاد ولایت عهدی را به ایشان دهد و امام نپذیرفت مگر با شروطی که ۱- در عزل و نصب دخالت ننماید ۲- امر و نهی نکند ۳- فتوا ندهد ۴- قضاوت نکند ۵- و چیزی که برقرار است تغییر ندهد»؛ بوده اند.

^۱ - فرازهای برجسته از سیره ی چهارده معصوم - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۳۷۲ تالیف محمد محمودی اشتهاردی محمدتقی عبدوس ج ۱ ص ۱۲۴ با دخل و تصرف

نحوه برخورد ایشان با کارگزاران حکومتی بسیار حائز اهمیت بوده است. که در این بخش به شرح بخشی از صفات نیک ایشان پرداخته می شود.

۱- مسئولیت پذیری

از دیدگاه ایشان حکمران و فرمان روا بودن امتیاز نیست بلکه نوعی مسئولیت است که فرد مسئول باید بداند که شرط برتری و پرهیزگاری به داشتن امتیازات مادی و دنیوی نیست بلکه به نیکوکاری و رعایت حقوق انسانی و اخلاقی است. به طوری که فردی به ایشان گفت: «به خدا سوگند تو بهترین مردم هستی. امام به او گفت: ای فلان چنین سوگند مخور. از من بهتر آن کس باشد که بیشتر پرهیزگاری خدا می کند و افزون تر از من فرمان برد.»^۱

و در همین راستا مردی دیگر به ایشان گفت: «بر روی زمین کسی از لحاظ نسب پدری از تو شریفتر باشد وجود ندارد. امام فرمود: پرهیزگاری بدیشان شرف بخشیده و فرمانبرداری از خدا ایشان را از این منزلت شریف بهره ور ساخته است.»^۲

بنابراین از دیدگاه ایشان شرط پذیرفتن یک حکم و مسئولیت در حوزه ی سیاسی به رعایت کردن قوانین اخلاقی است و ایشان نیز به دلیل برخورداری از همان کمالات اخلاقی و معنوی جایگاه والایی را برای خود در نزد مردم ایجاد کردند.

گفته شده «در سراسر دوران حکومتی ایشان هیچ عملی از ایشان دیده نشد مگر اینکه مراتب فضل ایشان را بالا برد در هیچ گناهی از گناهان حکومت شرکت نجست بلکه وجود او اثر بزرگی در تصحیح پاره ای از خطاها و انحرافات بود که حاکمان آن روز

^۱ - ترجمه ی زندگانی سیاسی امام رضا (ع) انتشارات کنگره ی جهانی امام رضا (ع) بی جا- ۱۳۶۵

تالیف جعفر مرتضی عاملی- دفتر انتشارات اسلامی صص ۳۴۲-۳۴۱

^۲ - همان ص ۳۴۲

بدان خو گرفته بودند، داشتند چندان که توانست بر خود مامون نیز تاثیر بگذارد و در سراسر مدتی که با او زیست وی را از میگساری و سماع ساز و آواز باز دارد!^۱

بنابراین در چنین جامعه‌ی مردم سالار دینی است که تمام اصول و ضوابط حاکم بر سیاست جامعه پایه گذاری خواهد شد و تمامی انسانهای مسئول در پست های مختلف مدیریتی و حکومتی جایگاه خود را به عنوان افراد مسئولیت پذیر و با تعهد و وجدان اخلاقی نسبت به وظایف خویش باز می شناسد.

پیامبر گرامی اسلام در رابطه با مسئولیت های سنگینی که حاکم در جامعه به عهده دارد او را همانند چوپانی می داند که مسئول نگهداری از زیر دستان و در واقع حقوق مردم دارد. «کلکم راع و کلکم مسئول»^۲. هر کدام از شما چوپانانی هستید و هر کدام مسئول نگهداری از حقوق مردم هستید.

این یک حقیقت است که اگر در جامعه به طور حتمی پایه ریزی شود هم رضایت عمومی و هم راحت بودن وجدان آدمی در حیطه ی وظایفش را می رساند که بداند جامعه در صورتی رو به سوی پیشرفت و تعالی خواهد رفت که هرکس وظیفه اش را در جامعه (چه شخصی که صرفاً به عنوان یک شهروند ساده است و چه شخصی که مسئولیت یا مدیریت یک بخش را به عهده دارد) به نحو احسن و مطلوب انجام دهد.

۲- رعایت امانت

۱- همان ص ۳۴۳

۲- امام خمینی و حکومت اسلامی (فلسفه سیاسی) موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع) قم ۱۳۷۸ چاپ اول تالیف کنگره ی امام خمینی و اندیشه ی حکومت اسلامی ص ۳۶۲

انسان موجودی اجتماعی است که در زندگی خویش ناگزیر از ارتباطات و تعاملات مختلف با اطرافیانش است و اگر در این زندگی جمعی حس اعتماد متقابل به یکدیگر نباشد امکان برقراری ارتباط با مردم با مشکلات بسیاری مواجه خواهد بود.

لذا امام صادق (ع) می فرمایند: «اگر خواستد کسی را بشناسید به او اعتماد کنید به رکوع و سجود طولانی و نمازهای خوش آب و رنگش نگاه نکنید زیرا ممکن است به این عبادات ظاهری عادت نموده باشد و ترک آنها موجب وحشت و ناراحتی اش گردد بلکه به راستگویی و امانت داری او نظر کنید که اینها در تضاد منافع دنیوی انسان است. در حالی که مقدس بازی و عبادت های ریائی به خصوص در جامعه دینی اکثراً باعث ارتقا دنیوی و کسب شهرت و ریاست می گردد و این خود عاملی است برای فریب خود»^۱.

تظاهر نمودن به عبادات ظاهری، فریب مردم از طریق وعده و وعیدهای بسیار برای رسیدن به مدارج مختلف سیاسی در جامعه و یا قرار گرفتن در سازمانها و نهادهای مختلف که در جناح مخالف با اهداف حکومتی و جامعه ی اسلامی است آدمی صرفاً برای تحقق خواسته های متعدد دنیوی در این سازمانها وارد می شود چیزی جز فریب خود و سقوط در انسانیت نخواهد بود و بلعکس انسانهایی که همواره در زندگی خود گرایش به سوی امور نیک و پسندیده از قبیل راستگویی، و رعایت امانت در تمام جوانب زندگی و بالخصوص امور سیاسی داشته اند از زندگی سالم و رضایت بخش برخوردار بوده اند. که البته نمونه های متعدد در سیره ی پیشوایان دینی مشاهده می شود.

وجود مبارک امام رضا(ع) با استعانت و پیروی از سیره ی پیشوایان خود مزین به این نوع صفت اخلاقی است.

ایشان از بعضی اشعار در جهت بیان مضامین اخلاقی و انسانی ایراد می فرمودند که به عنوان نمونه گزیده ای از اشعار ایشان در باب رعایت امانت و کتمان شر ذکر خواهد شد:

«انی لانیسی السر کی لا اذیعه فیامن رای سرا یصان بان ینسی»^۱

همانا مرا رسم بر این است که راز دیگری را فراموش کنم تا مبادا آن را فاش کنم و شایع گردد. پس ای کسی که رازی و سری را می دانی بدان که با فراموش کردن آن راز حفظ می شود.

پرده پوشی از اسرار آدمی (که طبعاً فردی که رازی را با دیگری در میان می گذارد و او را امین اسرار خود می داند و انتظار رعایت این امانت بزرگ را دارد) باعث می شود که نوعی حس بی اعتقادی و ترس در انسان ایجاد شود و نتیجه آن کرامت و بزرگی در حفظ و رعایت این نوع امانت از بین برود.

بنابراین یکی از مهمترین ویژگی های مومن از دیدگاه امام رضا(ع) همین رعایت امانت و رازداری است تا آن جا که می فرماید: «مومن به کمال واقعی نمی رسد مگر اینکه دارای ۳ خصلت شود: ۱- سنتی از خدایش شود ۲- دارای سنتی از رسول خدا شود ۳- دارای سنتی از ولی خود (امامان) گردد اما سنت خدایش پرده پوشی است. سنت رسول اکرم مدارا کردن با مردم است و سنت ولی خدا صبر و استقامت در برابر حوادث تلخ است»^۱.

^۱ - علی بن موسی الرضا- مرضیه محمدخواه ص ۵۷۵

از آن جایی که یکی از صفات خداوند ستارالعیوب بودن است و همواره از بابت لطف و کرم خویش عیوب و گناهان و کوتاهی های بندگان (در امر بندگی) خویش را می آمرزد لذا بنده نیز باید از این دریای احسان الهی درس بزرگ اخلاقی را بیاموزد و در زندگی اش به کار بندد و پرده پوشی از سنت خدا که از جمله صفات مومن حقیقی نیز هست را سرلوحه ی کار خویش قرار دهد. امام رضا(ع) همچنین می فرمایند:

«لم یخنک الامین و لکن ائتمنت الخائن»^۱. «آمین به تو خیانت نکرد بلکه تو خائن را امین دانستی».

امام رضا(ع) خود به عنوان فردی امین و امانت دار بوده اند و دیگران را نیز توصیه و تشویق به این امر می نموده اند. بنابراین اگر این امر در جامعه و در بین مردم درونی شود حس اعتقاد به نفس در بین تمامی مردم در جامعه برقرار می شود.

۳- التزام به تعهدات

«اصل عهد به معنی نگهداری و مراعات است و پیمان را از جهت لازم المراعات بودن عهد گفته اند»^۲. «در قرآن کریم نیز در رابطه با متعهد بودن نسبت به پیمان ها و عقود دیگر آیات متعددی آمده است که از جمله ی آن می فرماید: «و لاتقربوا مال الیتیم الا

۱ - آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم ۱۳۸۳ - چاپ اول
تالیف محمدتقی عبدوس - محمد مهدی اشتهااردی

۲ - هشتاد و هشت کلام از هشتمین امام (حضرت علی بن موسی الرضا) به هشت زبان بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۸۶ چاپ چهارم تالیف حسین حائری کرمانی - ترجمه شیخی - جلالی - باباپور - محمدهاشم، ارجمند، وثوقی، ابوالقاسمی، کاظم زاده، شکورزاده، تورسان زاده ص ۱۱

۳ - قاموس قرآن - انتشارات دارالکتب اسلامیة - تهران ۱۳۷۲ - چاپ یازدهم - تالیف سیدعلی اکبر قرشی ج ۵ ص ۵۹

بالتی ہی احسن حتی یبلغ اشدہ و اوفوا بالعہد ان العہد کان مسئلولا!۔^۱ بہ مال یتیم نزدیک نشوید مگر بہ آن کہ آن بہتر است تا بہ کمال قوتش برسد و بہ پیمان وفا کنید . پس معلوم می شود کہ وفاداری بہ عہد و پیمان ہا در تمامی جوانب زندگی از جایگاہ بالایی برخوردار است کہ حتی در آموزہ های دینی مسلمانان بہ آن سفارش بسیار شدہ است .

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «من اگر خدا را (در ظاہر ہم) سرپرستی مسلمانان را بہ من سپرد بر خودگواہ گیرم کہ در بین مردم بر اساس فرمانبرداری خداوندو سنت پیامبر او(صاوت علیہ و آلہ و سلم) رفتار کنم خون حرامی را نریزم و ناموس و مالی را مباح نشمارم مگر آنکہ خونی را کہ حدود خداوند ریختنش را معین کردہ و قوانین او مباح شمرده است و اینکہ در برگزیدن شایستگان کمال جہد و توانایی خود را بہ کار گیرم. من بہ این وسیلہ بر خود عہدی استوار بستم کہ خدا مرا بہ سبب آن باز می پرسد چہ خداوند عزوجل گوید: بہ عہد خود وفا کنید کہ باز پرسیدہ می شوید».

عمل نمودن بہ وظایف و تعہداتی کہ جامعہ اسلامی بر تک تک اعضای جامعہ ی خود قرار دادہ است امری بسیار مهم است کہ در صورت سرباز زدن از آن مورد بازخواست قرار خواہد گرفت چہ در این دنیا و چہ در آخرت .«نادیدہ گرفتن پیمانها جز خودخواہی و بی اعتنایی بہ حقوق دیگران علتی ندارد و فرد خودخواہ کہ محور زندگی او را غرائز حیوانی تشکیل می دہد نمی تواند خداخواہ و حق جو(کہ خصیصہ یک مسلمان است) باشد. از این جہت پیامبر گرامی اسلام پیمان شکنان را افراد غیر

^۱ - سوره اسراء آیہ ۳۴

مسلمان می خواند و می فرماید: لادین لا عهد له، آن کس که به پیمان خود وفادار نیست
مسلمان نیست»^۱!

بنابراین همان گونه که پیامبر گرامی اسلام عمل نمودن به تعهدات را وظیفه ی خود می
دانستند ائمه ی اطهار نیز آن را سرلوحه ی زندگی خویش قرار داده اند. امام رضا(ع)
هم به عنوان یک فرد متعهد و مسئولیت پذیر نیز بدین گونه بوده اند. ایشان می فرمایند:
«انا اهل بیت نری وعدنا علینا دینا کما صنع رسول اله(ص)»: ما خاندانی هستیم که به
راستی عهد خویش را همان طور که پیامبر عهد فرمود و امی برخویش می شماریم و از
آن روی نمی گردانیم.^۲

بنابراین ایشان خود را ملتزم به رعایت این امر خطیر و مهم می دانستند «در حدیثی که
کلینی(ره) به سندش از حسن انباری روایت کرده آمده است که گوید: ۱۴ سال پیوسته
به امام (ع) نامه می نوشتم و اجازه ی پذیرفتن شغلی را در کارهای حکومتی از آن
حضرت می خواستم و در آخرین نامه خود شدت احتیاج خود و ترس از خطری که از
این ناحیه مرا تهدید می کند به آن حضرت متذکر شدم که نپذیرفتن من موجب شده تا
حکومت مرا رافضی بخواند.. و بالاخره امام (ع) در پاسخ گفت: فان کنت تعلم انک ادعا
ولیت عملت فی عملک بما امر به رسول اله صلی اله علیه وآله -ثم یصیر اعوانک و
کتابک اهل ملتک فادنا صار الیک شی و اسیت به فقراءالمومنین حتی تکون واحداً منهم
کان ذابذا و الافلا. اگر به راستی می دانی که چون متصدی کار شوی در کار خود طبق
دستور رسول خدا(ص) عمل خواهی کرد و کمک کاران و نویسندگان تو از هم کیشان
تو باشند که اگر چیزی به تو رسیده رسید با مستمندان و نیازمندی مومنان مواسات و

^۱ - منشور جاوید- انتشارات امام جعفر صادق (ع) بی جا- ۱۳۸۳ - چاپ چهارم- تالیف جعفر

سبحانی ج ۱ ص ۱۶۴

^۲ - علی بن موسی الرضا- مرضیه محمدخواه ص ۵۴۱

برادری کنی بدان سان که یکی از ایشان گردی و کیفر این عمل در برابر آن کار نیک تو قرار گیرد انجام ده و گرنه نه!»^۱ روایت ذکر شده تعهد ایشان در حیطه ی وظایف کاری شان را می رساند که آدمی در هر قسمت از وظایف شغلی و کاری خود که قرار می گیرد نباید از دیگران غافل شود و در درجه ی اول باید زیردستان را مد نظر قرار دهد چراکه اگر بتواند رضایت عمومی را در حیطه ی وظایفش به دست آورد موفق خواهد بود و اگر بالعکس عمل نماید مسلماً باید منتظر پیامدهای منفی و عواقب آن باشد.

۴- برخورد‌های مودبانه با دستگاه حاکم

یکی از نکات مهم برای فرد حاکم و مسئولی که ریاست و مدیریت یک بخش یا جامعه ای را به عهده دارد طرز برخورد صحیح او با اطرافیان بالاخص کارگزاران حکومتی است. این نحوه ی برخورد باعث می شود که فرد مسئول جایگاه موقعیت اجتماعی خویش را در رابطه با مسئولیت و حکمی که برای او صادر شده بداند و بتواند وظیفه ی خود را به نحو احسن و شایسته انجام دهد. در این قسمت به ابعاد مختلف سیره ی اخلاقی امام رضا(ع) در حیطه ی برخورد‌های اخلاقی ایشان در دستگاه حکومتی پرداخته می شود.

الف- عمل به سیره ی پیامبر اکرم (ص):

از جمله مسائل مهم در جریان ولایت عهدی امام رضا(ع) طرز رفتار جالب توجه ایشان در مجلس مامون در همان جلسه ی ولایت عهدی است که به هنگامی که مامون از او خواست تا به نزد مردم بیاید و ایشان با او بیعت کنند آن حضرت با قاطعیت در برابر تقاضای مامون با استناد به اینکه من به سیره ی جدم رسول اکرم (ص) عمل خواهم

^۱ - مجموعه آثار نخستین کنگره ی جهانی حضرت محمد رضا(ع) انتشارات کنگره جهانی رضا(ع)

مشهد ۱۳۶۵ تألیف هیات اجرایی کنگره جهانی امام رضا(ع) ص ۴۴۵

نمود و در حقیقت رضایت رسول اکرم (ص) را با هیچ چیزی در عرصه ی سیاست تعویض نخواهم کرد به پای بندی خود به اصول سیاسی اخلاقی تاکید ورزیدند.

«ابوالفرج می گوید: در روزی که معین شده بود تا مردم بیایند و با حضرت بیعت کنند و مردم هم آمدند مامون حضرت رضا (ع) را در محلی در کنار خویش قرار داد و اولین کسی که آمد و با امام بیعت کرد عباس بن مامون بود و بعد یکی از سادات علوی بود تا به همین منوال سپری شد. نکته ی حائز اهمیت این است که هنگامی که آمدند تا با امام بیعت کنند امام به شکلی خاص دستش را رو به سوی جمعیت گرفت. مامون گفت: دستت را دراز کن تا بیعت کنند اما امام فرمود: جدم اینگونه بیعت می کرد و بعد مامون گفت: قم فاخطب الناس و تکلم فیهم: برخیز خودت برای مردم سخنرانی کن. قطعاً مامون انتظار داشت که حضرت در آنجا تاییدی از او و خلافتش کنند. فقال بعد حمدالله و الثنا علیه: اما امام ابتدا حمد و ثنای الهی را گفت.»^۱

از نظر این امام همام اداره ی حکومت یک جامعه با داشتن انواع مدارج و مناصب حکومتی هیچ منافاتی ندارد بلکه هر فرد حاکم باید در هر حالتی تواضع و فروتنی خود را در برابر مردم حفظ کند و همچنین دیگر افراد مسئول در جامعه را در هر حالتی که هستند امر به معروف و نهی از منکر نماید تا مبادا نسبت به وظایف خویش تخطی نمایند.

ب- موعظه

بحث نصیحت و موعظه که از نکات برجسته ی اخلاقی سیاسی امام رضا(ع) می باشد در دو بعد مورد بررسی قرار می گیرد.

^۱ - سیری در سیره ی ائمه ی اطهار انتشارات صدرا- تهران- ۱۳۷۴- چاپ ۱۱ تالیف مرتضی

مطهری- صص ۲۱۶-۲۱۵

۱- رهنمودهای اخلاقی امام (ع) به مامون:

مامون شخصیت عجیب و دوگانه ای داشت. از یک سو تظاهر به ایمان می کرد و شخصیت امام رضا(ع) را در همه ی زمینه ها از قبیل مسائل اخلاقی، عبادی و.. تایید می نمود و از سوی دیگر تاب و تحمل نصایح اخلاقی امام رضا(ع) را نداشت که خوب مسلماً هدف او فریب امام رضا(ع) بود تا مهر تایید امام به کارهایش داشته باشد غافل از این که امام رضا(ع) آگاهتر و هوشیارتر از او بودند و هیچ گاه فریب خورده ی ریاکاری ها و مقدس مابی مامون نشدند. «امام رضا(ع) بسیار موعظت می نمود مامون را در خلوت و تخویف به حق تعالی می فرمود و تقبیح می کرد او را، آنچه مرتکب می شد آن را از خلاف این و مامون به ظاهر این را قبول می نمود و به باطن در کراهت می افزود و بر او گران می بود و یک روز آن حضرت در آمد که یا امیر لا تشکر بعباده ربک احدا. مامون غلام را از آن بازداشت و خود متولی وضو شد و این موجب کدورت و حزن او گشت»^۱

بدین طریق امام رضا(ع) مامون را متوجه این مسائل می نمودند که آدمی در هر جایگاهی که قرار می گیرد حتی مقام های مدیریتی که در راس هر کاری است باید پذیرش هرگونه امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشد. زیرا تنها از این طریق آن فرد حاکم و مسئول متوجه نقاط قوت و ضعف خویش خواهد شد.

«اصولاً باید همیشه گروهی باشند تا مردم را موعظه کنند به یاد خدا آورند و آنها را متوجه اشتباهاتشان و گناهانشان کنند. مردم را به عدل الهی متوجه نمایند و این امری

^۱ - کشف الغمه فی معرفه الائمه انتشارات کتابفروشی اسلامیة - بی جا - تاریخ تالیف ۶۸۷ هـ.ق - تاریخ ترجمه ۹۳۸ هـ.ق - تالیف علی بن عیسی الاربلی مترجم علی بن حسین زوارئی - تصحیح ابراهیم میانجی مقدمه ابوالحسن شعرانی ج ۳ ص ۱۰۹

لازم و ضروری است و هیچ وقت جامعه از این بی نیاز است. این موعظه می تواند به دل نرمی و رقت دهد قساوت را از بین ببرد و خشم و شهوت را فرونشاند»^۱.

۲- رهنمودهای اخلاقی به شیعیان:

ارشادات و موعظه هایی که امام رضا(ع) برای مردم زمان خود داشتند تاثیرگذاری بسیار زیادی برای همگان داشته است و اکثر کسانی که به دیدن ایشان می آمدند و با منش اخلاقی امام و موعظه های ایشان روبه رو می شدند درس های بزرگ اخلاقی را می گرفتند که در رشد و کمال ادامه و سیر زندگی آنها تاثیرات مطلوبی را به همراه داشته است. در اینجا به نمونه ای از برخوردهای ایشان با شیعیان پرداخته می شود:

«در آن هنگام که امام رضا(ع) در خراسان بود جمعی از شیعیان که البته آلوده به گناهای بودند برای ملاقات امام (ع) نزد ایشان آمدند اما دربان اجازه ی ورود به آنها را نمی داد تا اینکه پیام خود را توسط دربان به امام رساندند: ما از راه دوری آمدیم و اگر شما را ملاقات نکنیم روسیاه خواهیم شد. به ما اجازه ی ورود و ملاقات دهید. امام نیز طی پیامی به آنها گفتند: اینکه اجازه ی ورود به شما ندادم برای این بود که شما ادعا می کنید شیعه ی علی هستید ولی دروغ می گوئید و در بیشتر اعمال با آن حضرت مخالفت می نمائید. شیعه ی علی، حسن و حسین (ع) ابوذر و مقداد و... بوده اند. آنها همان دم استغفار و توبه حقیقی کردند آن گاه امام با آغوش باز آنها را پذیرفتند و به دربان خویش گفتند: آنها چند بار به در خانه ی ما آمدند؟ گفت: ۶۰ بار

^۱ - ده گفتار انتشارات صدرا- تهران قم ۱۳۸۶- چاپ ۲۴- تالیف مرتضی مطهری ص ۲۶۴

امام فرمودند: اینک شصت بار نزد آنها بیار و بر آن ها سلام کن و سلام ما را به آنها ابلاغ کن. دربان نیز دستور امام را اجرا کرد.^۱

از این روایت می توان نکات اخلاقی خاصی را به دست آورد:

۱- امام رضا(ع) با این نوع برخورد اخلاقی خود درس بزرگی از ایمان و ارادت واقعی نسبت به اهل بیت برای شیعیان داده اند. چراکه امام کاظم (ع) می فرماید: «من عادی شیعتنا فقد عادنا و من والاهم فقد والانا لانهم منا خلقوا من طینتنا من اجتهم فهو منا و من ابعضهم فلیس منا».^۲

هرکه با شیعیان ما دشمنی نماید با ما دشمنی نموده است و هرکه به آنان مهر ورزد به ما مهر ورزیده چرا که آنان از ما هستند و از خمیره(طینت) ما آفریده شده اند کسی که آنان را دوست بدارد از ماست و کسی که آنان را دشمن بدارد از ما نیست.

بنابراین به کار بستن این نمونه از امر به معروف و نهی از منکر می توان بسیاری از مسائل و مشکلات حاکم در آن را مرتفع نمود.

۲- نکته دیگر اینکه امام رضا(ع) با قبول توبه و استغفار ایشان نه تنها آنان را متوجه اشتباهات خویش نمودند بلکه درس بزرگی از آزادی عمل و اندیشه در راستای حقیقت و اصل امور داده اند. لذا با معرفی انسانهای نمونه و برتر و شیعیان واقعی و آگاهی به حقیقت وجود این انسان ها دیگران را نیز تشویق و ترغیب به سوی ایشان کرده اند.

۳- احقاق حقانیت امور در حوزه ی سیاسی:

^۱ - فراهایی برجسته از سیره ی چهارده معصوم محمدتقی عبدوس - محمد مخدی اشتهاردی ج ۱ ص ۳۰۲

^۲ - قطره ای از دریای فضایل اهل بیت تالیف احمد مستنبط ترجمه ی محمدحسین رحیمیان - ج ۲ ص ۶۶۰

از دیگر اقدامات سیاسی امام رضا(ع) این بوده است که با توجه به موقعیتی که برای ایشان در حوزه ی مسائل سیاسی بود ایشان از هر موقعیتی در جهت اعتلای اسلام بهره می بردند تا بتوانند اسلام حقیقی را به همگان معرفی نمایند و تمامی نشانه های ظلم و ستم و استکبار را با تدابیر خویش محو نمایند.

«ایشان از یک سو انقلابیون و مخالفان دستگاه غاصب و جابر را به نحو مقتضی تایید و رهبری می فرمود به طوری که دامنه ی قیام و شورش تا اقصی نقاط قلمرو اسلامی گسترش یافته خطری جدی دستگاه خلافت را تهدید نموده و ارکان آن را متزلزل ساخته بود. از سوی دیگر در روشن کردن اذهان و رفع شبهات و اثبات حقانیت مبانی اعتقادی اسلام و پاسخ گویی به سوال ها و اشکال هایی که به واسطه ی توسعه و گستردگی اسلام در شرق و غرب و برخورد و اختلاط از جریان های فکری و اعتقادی و اجتماعی خاص و دامن زدن به اختلافات از یک طرف و برخورد فرهنگ ها و تمدن ها و ورود افکار و اندیشه های متعدد و متفاوت به قلمرو اسلامی از سوی دیگر موجب بروز مسلک های اجتماعی شده بود و تنها مرجع مورد اطمینان شخصیت والای امام رضا(ع) بود که به بهترین وجه مشتاقان را آگاهی بخشد و شبهات آنها را پاسخ دهد»^۱.

در تتمه ی این مباحث خاطر نشان می شود که اصولاً آنچه که به خط سیر رهبری همه ی امامان شیعه و قوت عمل داده و تا به امروز در غیبت امام زمان (عج) و در حکومت ولی فقیه تداوم خاصی بخشیده است همین جرات و جسارت در پذیرش حق و احقاق آن برای همه ی مسلمین بوده است و اگر تلاشهای آن بزرگواران در حفاظت از حریم تشیع نبود تزلزل دینی برای مردم باوری دور نبود.

^۱ - زندگانی هشتمین امام (ع) انتشارات آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۱ چاپ اول تالیف حسین حائری کرمانی بازنویسی علی اصغر فرزانه ص ۱۵

بنابراین تلاش‌های پی‌گیر چنین شخصیت‌های برجسته‌ای بوده است که توانسته
حکومت‌های جائز را که همیشه درصدد پایمال نمودن حق و برقراری حکومت باطل
بوده‌اند را بر خاک ذلت نشانند.

بخش سوم

اخلاق خانوادگی

مقدمه

۱- محبت و مهرورزی با اعضای خانواده

۲- محبت به خدمتکاران و غلامان

۳- تامین مخارج زندگی

خانواده یکی از بزرگترین نهادهای اجتماعی است که انسان با تشکیل این هسته مهم در زندگی خویش گام مهمی در رسیدن به ثمرات اخلاقی و تربیتی آن برمی دارد. البته در آموزه های دینی مسلمانان نیز به نمونه های متعددی از ار مقدس ازدواج و تشکیل خانواده و آثار مهم دیگری که در پی خواهد داشت، آمده است.

پیامبر گرامی اسلام در این رابطه می فرمایند: «تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم ولا تکنوا کرهبا نیر النصارى»!

ازدواج کنید که من به شمار بسیار شما بر دیگر جامعه ها می بالم و بسان راهبان مسیحی نباشید که زن و زندگی را تحریم می کنند.

حضرت علی (ع) نیز درباره ی جایگاه زندگی و ارزشمند بودن آن می فرمایند:

«لیس بلد باحق بک من بلد خیر البلد ما حملک»^۲.

شهری از شهر دیگر به توسعه سزاوارتر و شایسته تر نیست بهترین شهرها شهری است که تو را به دوش گیرد. اهل آن ترا بخواند و در زندگی در رفاه و آسایش باشی. امام رضا(ع) هم از جمله کسانی هستند که خود را پای بند به رعایت کردن ارزشهای درونی خانواده می دانند. برخوردهای اخلاقی ایشان با خانواده و اطرافیان بسیار مهربانانه بوده است. همچنین رفتارهای خاص اخلاقی دیگری که ایشان در زندگی شخصی خود داشته اند از قبیل ملزم دانستن خود برای تامین مخارج زندگی صفت نیک

^۱ - پرتوی از پیام پیامبر یا برگردانی تازه از نهج الفصاحه انتشارات حلم- قم ۱۳۸۴ چاپ اول- مترجم

علی کرمی فریدنی حکمت ۱۱۴۵ ص ۲۱۳

^۲ - نهج البلاغ علی (ع) ترجمه ی فیضی الاسلام- حکمت ۴۳۴ ص ۱۲۹۴۱

دیگری است که ایشان داشته اند. در این بخش سعی شده است گوشه هایی از این ویژگی ها و صفات عالی ایشان پرداخته شود.

۱- محبت و مهرورزی با اعضای خانواده:

از جمله ویژگی های نیکوی امام رضا(ع) آن بوده است که به اعضای خانواده ی خویش محبت می نموده اند و ایشان شرط کمال در ایمان فرد را در محبت و مهربانی با اعضای خانواده اش می دانسته اند و می فرمایند:

«احسن الناس ایمانا احسنهم خلقا و الطفهم باهله و انا الطفکم باهلی»^۱ کسی ایمانش بهتر است از دیگران که اخلاقش نیکوتر و با خانواده اش مهربان تر باشد و من مهربان ترین فرد نسبت به خانواده ام هستم.

این محبتی که انسان می تواند با اعضای خانواده ی خود داشته باشد در همه ی ابعاد شخصیتی او تاثیر گذار است چراکه اطرافیان او نیز متقابلاً او را مورد احترام قرار می دهند و او را شایسته ی این احترام می دانند.

امام رضا(ع) در خصوص مناسبات اخلاقی بین اعضای خانواده می فرمایند:

«اجعل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر»^۲ برخورد خود را با افراد کوچک و بزرگ نیو گردان.

توجه نمودن به شخصیت افراد و تکریم آن یکی از اصول مهم در ابعاد مختلف زندگی است. و همان طوری که گفته شد در سیره ی اخلاقی ائمه ی اطهار این صفت عالی دیده می شود و مکرراً نسبت به آن سفارش کرده اند.

۲- محبت به خدمتکاران و غلامان:

۱ - نشانی بهشت - انتشارات قدس رضوی - مشهد ۱۳۸۷ - تالیف حسین علوی مهر ۱۳۴۲ ص ۵۶

۲ - همان صفحه

محبت و مهربانی امام رضا(ع) تنها منحصر به اعضای خانواده ی خویش نبود بلکه ایشان تمامی افراد در خانه را اعم از اعضای خانواده ی خویش و دیگر اطرافیان از قبیل خدمتکاران و غلامان را نیز بهره مند از این محبت می دانستند.

در این باره یاسر خادم این چنین نقل می کند: «عن یاسر الخادم قال فقال لی بعد ما صلی الظهر: یا یاسر ما اکل الناس شیئا؟ قلت: یا سیدی من یاکل ههنا مع ما انت فیه. فانصب (ع) ثم قال: هاتوا المائده. و لم یدع من حشمه احدا الا اقعده معه علی المائده یتفقده واحدا واحدا. فلما فرعوا من الاکل اغمی علیه...»؛

یاسر خادم می گوید (در روزی که امام رضا(ع) به دست خلیفه ی تبهکار عباسی مسموم شده بود و در همان روز در اثر همان سم به شهادت رسید) پس از اینکه نماز ظهر را گذارد به من گفت: ای یاسر! مردم (اهل خانه و کارگزاران) چیزی خوردند؟ گفتم: آقای من که می تواند غذا بخورد با اینکه شما در چنین حالی هستید؟ در این هنگام امام (ع) راست نشست سپس فرمود: سفره بیاورید و همگان را بر سر سفره فرا خواند و کسی را فرو نگذارد و یکایک را مورد مهر و محبت خویش قرار داد... هنگامی که همه غذا خوردند امام بیهوش افتاد.»^۱

بنابراین امام رضا(ع) با این نوع نگرش انسانی به مردم آنان را بهره مند از تمامی حقوق اخلاقی و انسانی می دانستند.

از طرفی در جامعه ای که بندگان و کنیزکان از هیچ حقوقی بهره مند نبودند و قصد نزدیک شدن به اربابان را نداشتند امام رضا(ع) با اظهار محبت به آنها دست ستمگرانی را که قصد ظلم و ستم به آنها را داشتند را کوتاه نمودند.

۱- فرازهایی از سخنان امام رضا (ع) - بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس - مشهد - ۱۳۸۷ -

۳- تامین مخارج زندگی

از دیگر ویژگی های اخلاقی امام رضا(ع) این بوده است که ایشان همواره خود را ملزم به تامین مخارج زندگی می دانستند.

از دیدگاه ایشان اعضای خانواده باید بهره مند از تمامی امکانات باشند و بر آدمی (مرد) لازم است که در این راه تمام سعی و تلاش خود را نموده تا بتواند رضایت خانواه را در این جهت برآورده سازد.

در روایتی می فرمایند: «هرگاه انسان خوراک سال خود را ذخیره نماید پشت وی از بار زندگی سبک می شود و آسوده خاطر می گردد»^۱.

ایشان همچنین با کسانی که بر خود و خانواده ی خود تنگ می گرفتند و به حداقل هر چیز حتی با سختی های بسیاری که بر خود و خانواده شان تحمیل می شد قانع بودند شدیداً مخالفت می ورزیدند .

در ذیل به نمونه ای از این گونه برخورد ایشان اشاره می شود:

«یکی از خدمتگزاران امام رضا(ع) در خانه ی محقر و کوچکی که از پدر او به ارث رسیده بود زندگی می کرد. امام رضا(ع) به خاطر آسایش و راحتی بیشتر او برایش خانه ی بزرگ خرید. پس از خرید منزل به خدمتکار خود خبر داد و گفت: چون خانه ات کوچک و محقر است منزلی وسیع تر برایت تهیه و خریداری کرده ام. برو در آن جا ساکن شو. خدمتکار امام که تا حدودی تعصب خشک خانوادگی داشت به همین جهت تقاضای امام را رد کرد و گفت: چون پدرم در این خانه عمر خود را سپری نموده و زندگی کرده است من هم می خواهم در این خانه زندگی کنم. حضرت با رد این تقاضا

^۱ - رفتارهای اخلاقی و اجتماعی امام رضا(ع) انتشارات عروج اندیشه مشهد ۱۳۸۲ چاپ اول تالیف

محمد علی چنارانی ص ۸۰

و شنیدن این سخن غلط به او گفت اگر پدرت احمق بود و با زندگی کردن در این خانه ی تنگ و کوچک حماقت کرده باشد تو هم می خواهی مانند او باشی و حماقت کنی؟^۱

بنابراین از دیدگاه امام رضا(ع) ارج نهادن به اصول اخلاقی حاکم در خانواده امری مهم و ضروری است و انسان باید در تمامی ابعاد آن، خود را ملزم به رعایت آنها نماید. اگر در این کانون مهر تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان تامین شود و پدر و مادر که نقش مهمی را در آن ایفا می کنند توجه خاص و اکیدی نسبت به مسائل درون خانواده داشته باشند دیگر هیچ دغدغه ای انسان را تهدید نخواهد نمود.

امروزه در جوامع بشری بالاخص در خانواده هایی که عاری از یک سری اصول و مبانی مهم و اساسی (که بنیان و تشکیل خانواده تاثیر گذارند) است مشاهده می شود که آدمی از گسسته شدن ارکان خانواده به خاطر عدم توجه به این باورها و اعتقادات دینی از هم پاشیده می شود. اختلافات خانوادگی در بین والدین، روی آوردن عده ای از جوانان به سمت اعتیاد و پیامدها و مشکلات منفی دیگر در پی آن از نتایج این نوع زندگی هاست.

بنابراین همان طور که گفته شد نقش خانواده و جایگاه مهم آن در زندگی نباید نادیده گرفته شود بلکه می توان با کمی تامل در سیره ی پیشوایان دین مان و با سرلوحه قرار دادن این ویژگی های بارز اخلاقی از یک زندگی سالم که در سایه ی الطاف الهی و با عنایات ائمه ی اطهار خواهد بود بهره مند شد.

^۱ - پاره ای از بهشت محسن غفاری - ص ۲۲۵ مسند الامام الرضا انتشارات المومنه العالمی الامام الرضا علیه السلام بی جا - ۱۴۰۶ ه.ق تالیف عزیزاله عطاردی الخبوشانی ج ۲ ص ۳۷۴

بخش چهارم

اخلاق مردمی

مقدمه

۱- حسن خلق نسبت به دیگران

۲- همدلی امام (ع) با توده مردم

الف- ناکامی مامون در سیاست های عوام فریبانه

ب- تلاش امام (ع) در جهت اعتلای اسلام

در این خصوص شایسته یادآوری است که بسیاری از نکات و مسائل اجتماعی که از دیدگاه عده ای ابتدائی و غیر ضروری به نظر می رسد از دیدگاه علوم دینی و اخلاقی جایگاه ویژه ا را به خود اختصاص می دهد. بنابراین پاسداشت حقوق فردی و اجتماعی دیگران در آموزه های دینی بسیار مدنظر قرار گرفته است و پیامبر اکرم و ائمه ی معصومین نسبت به آن تاکید فراوان داشته اند.

امام رضا(ع) به عنوان یک امام دلسوز و مهربان که ولی امر مسلمین در زمان خویش بودند نسبت به این امر اهتمام ویژه ای می ورزیدند. «سخنان و خطابات آن بزرگوار به مردم، دوستان و شیعیان و حتی غلامان و خدمتکارانش احترام آمیز بود. آن چنان که گویی با اهل خانه ی خود معاشرت دارد ایشان در یکی از سخنان خود در این رابطه می فرماید:

محبت نسبت به مردم و اظهار دوستی بدانان نیمی از عقل است»^۱ کمال رشد فکری و عقلانی انسان در ازای همدلی و همیاری با مردم است. و انسان عاقل است که همواره محبت و شادی و نشاط خود را با دیگران تقسیم می کند. در این بخش به قسمت هایی از این ویژگی نیکوی امام رضا(ع) پرداخته می شود و ارتباطات محبت آمیزی که ایشان با مرده داشته اند و آنان را شایسته این محبت می دیده اند و در جهت تامین حقوق آنان و پیشرفت جهان اسلام در ابعاد مختلف گام برداشته اند.

^۱ - رفتارهای اخلاقی و اجتماعی امام رضا محمدعلی چنارانی ص ۲۲

۱- حسن خلق نسبت به دیگران:

«ماده‌ی خلق (خ ل ق) اگر با خاء مفتوح استعمال شود به معنی صورت ظاهرات و اگر با

حاء مضموم استعمال شود به معنی صورت باطنی است. مثلاً وقتی می‌گوییم فلانی

خلق و خلقش نیکوست یعنی ظاهر و باطنی آراسته و زیبا دارد»^۱.

بنابراین آنچه که به عنوان خوش خلقی از یک نفر دیده می‌شود ظاهر و باطن آراسته

ای است که آن فرد در خود ایجاد کرده تا در سایه‌ی آن بتواند به اثرات آرامش بخش

بیرونی و درونی که تاثیر گذار در جود آدمی است دست یابد.

این صفت اخلاقی در بین تمامی ائمه‌ی معصومین و بالخصوص امام رضا(ع) بسیار

مشهود است.

خوش رفتاری و گرمی و نشاطی که ایشان با نزدیکان و اهل خانه داشته اند تاثیر

شگرف در اطرافیان‌شان به همراه داشته است.

«ابراهیم بن عباس صولی می‌گوید: لارایتہ یقہقہ فی ضحکہ قط بل کان ضحکہ

التبسم».

هرگز ندیدم که امام رضا(ع) خنده‌ی قهقهه دار (صدادار) بکند بلکه خنده اش همیشه

تبسم بود.^۲

تبسم امام به روی مردم در هر حالتی سبب شده بود تا ایشان محبت عام و خاص را

به خود جلب نموده و رابطه‌ی صمیمی بین امام و مردم به وجود آید. البته ایشان همه

را دارای ارزشهای والای انسانی می‌دانستند و با همه‌ی مردم به طور یکسان برخورد

می‌نمودند و از این رو همیشه با مردم به نیکویی رفتاری کردند.

^۱ - اخلاق (ترجمه کتاب الاخلاق) عبدالله شبر ص ۳۱

ابراهیم بن عباس هم چنین می گوید: «هرگز ندیدم ابی الحسن الرضاع در سخن گفتن با مردم درشتی کند و غلامان و بردگان خویش را ناسزا نمی گفت.»^۱

امام علی (ع) در بیان حسن خلق می فرماید: «ان احسن ما یالف به الناس قلوب اودائهم و نفوا به الضغن عن قلوب اعدائهم. حسن البشر عند لقائهم و التفقد فی غیبهم و البشاشه بهم عند حضورهم»؛ بهترین وسیله ای که مردم با آن دلهای دوستان خود را به دست می آورند و کینه ها را از دلهایشان می زدایند خوشرویی در هنگام برخورد با آنان است و جویای احوال آنان شدن در غیابشان و گشاده رویی با آنان در حضورشان.^۲

و از این جهت است که امام رضا(ع) در برابر تمامی انسانها چه شخص حاکم و مسئولی که در اوج قدرت و حشمت است و چه غلام و برده ی خویش با خوشرویی و نرم خویی رفتار می کند.

خوش خلقی و تبسم یک نیروی جاذبه و تاثیر شگرف بسیار بالایی در اطرافیان به همراه خواهد داشت و هرکسی که این صفت را داراست همگان به سوی او جلب می شوند. این فرد در جامعه از جایگاه بالایی برخوردار خواهد بود و از جمله ی افراد فعال و پویا در کانون گرم خانواده و یا جامعه اش است. این چنین افرادی در خانواده هایی گرم و پر نشاط پرورش یافته اند. بالعکس افرادی که بدخلق و عصبی هستند در خانواده هایی قرار دارند که عاری از این نوع صفت اخلاقی و شادابی و نشاط لازم در زندگی اند.

^۱ - پژوهشی دقیق در زندگی امام علی بن موسی الرضا (ع) - انتشارات دارالکتب الاسلامیه بی جا ۱۳۸۲ چاپ اول - تألیف باقر شریف القرشی - مترجم محمد صالحی ج ۲ ص ۱۳۲

۲ - میزان الحکمه - انتشارات دارالحديث - بی جا - ۱۳۷۷ - چاپ اول - تألیف محمد محمدی ری شهری - مترجم حمیدرضا شیخی - ج ۱ - ص ۴۹۸

بنابراین با دسترسی به سیره اخلاقی ائمه ی اطهار(ع) و انسان والا مقامی چون امام رضا(ع) که سیرت نیکو و خوشرویی ایشان زبانزد عام و خاص بوده است می توان به یک حیات زیبایی اخلاقی که اشباع شده از طراوت و نشاط مضاعف همراه با رفتار نیکومنش اخلاقی است دست یافت.

۲- همدلی امام رضا(ع) با مردم

انسان موجودی است حق طلب و کمال جو و در پی رسیدن به آن هدف مطلوب همواره سعی می کند الگوها و اسوه هایی را برای خود برگزیند که همگی آنها سر در صراط الهی دارند. ویژگی های اخلاقی این انسانهای نمونه اگر مطابق و هماهنگ با فطرت و ذات او باشد به طور طبیعی کشش و جاذبه ی خاصی به سوی این برگزیدگان نمونه خواهد داشت. و در نتیجه نوعی محبت، همدردی و درک متقابل از یکدیگر در بین آنها ایجاد خواهد داشت.

امام رضا(ع) از جمله ی همان کسانی هستند که با رفتار و منش اخلاقی خود سعی در ایجاد رابطه ای دوستانه در بین مردم بوده اند که در نتیجه با این درک متقابل، مردم نیز همواره علاقه مند به سیره ی اخلاقی ایشان بوده اند و همین باعث ایجاد محبوبیت امام رضا(ع) در بین مردم بوده است. برای روشن شدن بیشتر این ویژگی اخلاقی امام رضا(ع) به بیان نمونه هایی از رفتار ایشان در این رابطه پرداخته می شود:

الف- شکست مامون در سیاست های عوام فریبانه:

مامون برای فریب دادن اذهان عمومی سیاست های متعدد و عجیبی را اتخاذ کرده بود تا از این شاهراه بتواند به اهداف شوم و پلید خود دست یابد.

«او به خیال خام خود برای تحت نظر قرار دادن امام هشتم(ع) و حفظ موقعیت و جایگاه خود نزد مسلمانان آن امام همام را از مدینه به مرو و خراسان منتقل کرد ولی نه تنها

نتوانست به اهداف شوم خود برسد بلکه روز به روز به امام رضا بیشتر علاقه مند می شدند و محبوبیت ایشان در نزد مسلمانان افزون تر می شد»^۱!

تجربه نشان داده است که با مردم باید به زبان خود آنها سخن گفت و امروزه دیگر زبان شمشیر و از موضع سخت سیاسی و با ایجاد فضایی حاکی از زورگویی نمی توان بر مردم حکومت کرد و از آن جایی که امام رضا(ع) نیز با زبان دل مردم با آنها در ارتباط بودند علاقه مندی مردم به سمت ایشان روزبه روز بیشتر می شد و حکومت جبار عباسی هرگز نمی توانست این رابطه ی زیبای عاطفی را بین مردم و امامشان جدا سازد.

ب- تلاش امام رضا(ع) در جهت اعتلای اسلام

سعی و تلاش مداوم امام رضا(ع) برای پیاده شدن رسالت جهانی خویش امری ستودنی است.

«امام رضا(ع) از هر فرصتی در جهت اعتلای اسلام و گسترش فرهنگ ناب محمدی و شیعی استفاده نموده و درصدد بود به شیوه ی خالصانه امر به معروف و نهی از منکر نماید و جلوی انحرافات را مسدود کند.

از جمله مامون از امام رضا(ع) خواست که نماز عید را اقامه کند اما امام نپذیرفتند تا اینکه مامون اصرار کرد. حضرت فرمود: من آن گونه که رسول خدا و امیرالمومنین(ع) (برای نماز عید) بیرون رفتند بیرون خواهم رفت. مامون پذیرفت. آن حضرت با پای برهنه به راه افتاد سپس اندکی راه افتاد و آن گاه سر به سوی آسمان بلند کرد و تکبیر گفت. همراهان و موالیان او نیز گفتند. گویی آسمان و در و دیوار نیز با او تکبیر گفتند. مردم که امام رضا(ع) را با آن دیدند صدای تکبیرش را شنیدند چنان صداها به گریه

^۱ - <http://www5.irna.ir>

بلند کردند که شهر مرو به لرزه در آمد. خبر به مامون رسید. فضل بن سهل به مامون گفت: اگر علی بن موسی الرضا(ع) بدین حال به مصلی برود مردم شیفته ی او خواهند شد و همه ی ما بر خون خود بیمناک هستیم. مامون نیز دستور بازگشت حضرت را داد و امام (ع) نیز بازگشت.^۱

نکات مورد توجه در بیان این روایت بدین شرح است:

۱- ایشان خود را هم سطح با مردم و هماهنگ با ایشان قرار داده بودند پابرهنه شدن و سنت های پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) را مدنظر قرار دادن و زهد و وارستگی ایشان را می رساند. و همین باعث محبوبیت امام رضا(ع) در نزد مردم بود.

۲- امام رضا(ع) بعد از پذیرفتن ولایت عهدی مامون، اگرچه که به اجبار او پذیرفتند اما توانستند در جهت احقاق حقوق از دست رفته ی مردم و بازستانی که تا قبل از ورود ایشان توسط دستگاه جبار عباسی غصب شده بود گامی بزرگ نهند که خوب قاعداً مردم نیز خواهان همین امر بوده اند و در نتیجه سپاس گذار چنین شخصیتی هستند.

بنابراین به جاست که بدانیم اولاً هر فردی که در جامعه مسئولیتی را به عهده دارد از جمله راههای موفقیت او در حیطه ی وظایفش این است که خود را هم رنگ با جماعت خویش سازد زیرا تنها در این صورت است که مردم احساس نزدیکی نسبت به او پیدا می کنند و او را قشری همانند خود و از جنس خود می دانند و علاقه مند به او خواهند شد. ثانیاً جامعه ی اسلامی همواره در راه پیشبرد اهداف خویش و ترقی در امور به دنبال فرصت ها و نیروهای کاری است که بتوانند از تمامی امکانات موجود در جامعه نهایت استفاده و بهره وری را داشته باشند تا در نهایت این نیروهای فعال بتوانند

جامعه را به سوی آن جامعه ی ایده آل و مطلوب برسانند و به آن اهداف عالی که مدنظر مردم نیز بوده است دست یابند.

پس این یک فرض مهم است بر تمامی مسئولین جامعه که در راه رشد و اعتلای این امور گام بردارند و رضایت عمومی را نیز جلب نمایند.

فصل سوم

جمع بندی و نتیجه گیری

جمع بندی و نتیجه گیری

در این رساله ی تحقیقاتی سعی شده است تا گوشه هایی از حیات اخلاقی پیشوای هشتم شیعیان جهان علی بن موسی الرضا (ع) در طی ۳ فصل ارائه شود.

هدف از این تحقیق با توجه به ضرورت جامعه ی امروز مبنی برداشتن زندگی سالم و حیات طیبه (که بتواند در سایه ی آن بسیاری از مسائل روزمره ی زندگی خود را برآن مبنا قرار دهد) بیان شیوه و مسلک زندگانی ائمه ی اطهار است که می تواند الگوهای مناسبی از لحاظ اخلاقی و تربیتی برای فرد مسلمان باشد.

بنابراین با توجه به ضرورت جوامع امروزی به تعالیم انبیاء با توجه به مسائل متعددی که در این فضاها حکم فرما است) ضرورت الگوپذیری از این بزرگان دینی به ویژه امام رضا (ع) که به عنوان یک الگو و اسوه ی اخلاقی برای مسلمانان و شیعیان هستند بیشتر مشاهده می شود.

همان طور که در این رساله هم بیان شده است ایشان نسبت به رعایت کردن هیچ یک از مسائل اخلاقی فروگذار نبودند. در عین حضور در قدرت و با وجود تمامی امکانات مادی و دنیوی اما هیچ گاه از سجایا و فضایل اخلاقی دوری نمی نمودند. چراکه ایشان مظهر کرامت، زهد، صبر و.. بوده اند و وجود یک چنین نکات اخلاقی در زندگانی این بزرگوار درس بزرگی است برای تمامی کسانی که خود را بهره مند از تمامی قدرت ها و مکنات های دنیایی دانسته و هیچ کس را در این نعمات الهی عطا شده به آنها دخیل نمی دادند.

در صورتی که امام رضا (ع) سپاس گذار خالق بود که بر بندگان خویش منت می نهد و آنها را برخوردار از تمامی نعمت های دنیوی می نماید. اهمیت دادن نسبت به مسائل خانوادگی و ملزم دانستن خود به تامین نیازهای مادی و معنوی اعضای خانواده از

دیگر نکات بارز اخلاقی این امام همام بوده است. عطوفت و مهرورزی ایشان نسبت به همسر و فرزندان و حتی غلامان و خدمتکاران نشان دهنده ی برقراری عدالت مساوات ایشان نسبت به اعضای خانواده و عدالت همه جانبه ی امام رضا (ع) در کانون گرم خانواده شان بوده است. از طرفی اهتمام ورزیدن ایشان به تامین مخارج زندگی در تحت هر شرایطی حاکی از حس وظیفه شناسی ایشان در قبال خانواده است همچنان که پیامبر گرامی اسلام نیز در رابطه با خوشرفتاری با خانواده می فرمایند: «خیرلکم خیرکم لاهله ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لئیم»! بهترین افراد شما خوشرفتارترین شخص با همسر و خانواده ی خویش است زنان را محترم نمی شمارد مگر شخصی بزرگوار و خوار می شمارد مگر افراد پست و فرومایه. و امام رضا (ع) نیز با رعایت به سیره ی پیامبر خود را ملتزم به رعایت این امور می نموده و نسبت به مسائل زندگی خویش حساسیت ویژه ای داشتند و این امر هیچ گاه ایشان را از رعایت موازین اخلاقی دور نساخته است.

از طرف دیگر رهنمودهای اخلاقی ایشان در حوزه های مختلف به مامون (خلیفه عباسی) و شیعیان تأثیرات به سزایی برای مردم در زمینه امر به معروف و نهی از منکر داشته است و همین امر سبب روی آوردن آنها به حقیقت و اصل دین الهی بوده است. بنابراین بیان ابعاد مهم شخصیتی امام رضا (ع) می تواند در بارور شدن صفات نیک اخلاقی در انسان پیامدهای مثبت و مطلوبی را به همراه آورد تا بتواند از زندگی سالم و پویا در سایه ی الطاف الهی و ائمه ی اطهار (علیه السلام) بهره مند شود.

ان شاء ...

^۱ - پانصد حدیث اعتقادی و اخلاقی - انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم - بی تا - تألیف احمد صادقی اردستانی ص ۲۵۷

منابع و مأخذ

۱. -قرآن کریم، انتشارات آیین دانش، قم، ۱۳۸۴، چاپ اول، مترجم: مهدی الهی قمشه ای
۲. -آموزه های اخلاقی و رفتای امامان شیعه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۸۳، چاپ اول، تالیف محمد تقی عبدوس، محمد محمدی اشتهاردی
۳. -اخبار و آثار حضرت رضا (ع)، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، بی تا، تالیف عزیز الله عطاردی
۴. -آثار الصادقین، انتشارات روابط عمومی ستاد برگزاری نماز جمعه گیلان، قم، ۱۳۶۹، چاپ اول تالیف صادق احسان بخش
۵. -الارشاد، کتاب فروشی اسلامیة، بی جا، ۱۳۷۶، چاپ سوم، تالیف شیخ مفید، مترجم: محمد باقر ساعدی خراسانی، تصحیح: محمد باقر بهبودی
۶. -امامان اهل بیت در گفتار اهل سنت، انتشارات مکتب اسلام، بی جا، ۱۳۷۷، چاپ اول، تالیف داود الهامی
۷. -اخلاق (ترجمه کتاب الاخلاق)، انتشارات هجرت، بی جا، ۱۳۷۴، چاپ اول، تالیف عبد الله شبر، مترجم: محمد رض جباران
۸. -اصول کافی، انتشارات ولی عصر (عج)، بی جا، ۱۳۷۷، چاپ دوم، تالیف محمد بن یعقوب کلینی، ۳۲۹ق، مترجم: جواد مصطفوی
۹. -آیین زندگی از دیدگاه امام رضا (ع)، انتشارات الف، بی جا، ۱۳۷۹، تالیف محسن کتابچی،

- ۱۰- امام علی بن موسی الرضا (منادی توحید و امامت)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۶، چاپ دوازدهم، تالیف محمد جواد معینی، احمد ترابی
- ۱۱- برکرانه شرح چهل حدیث امام خمینی، انتشارات عروج، بی جا، ۱۳۸۷، چاپ اول، تالیف جواد محدثی
- ۱۲- امام خمینی و حکومت اسلامی (فلسفه سیاسی امام خمینی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۸، چاپ اول، تالیف کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی
- ۱۳- پرورش روح (نماز و عبادت در تفسیر المیزان)، انتشارات بلوغ، بی جا، ۱۳۷۶، چاپ سوم، تالیف عباس عزیزی
- ۱۴- پرتوی از پیام پیامبریا برگردانی تازه از نهج الفصاحه، انتشارات حلم، قم، ۱۳۸۴، چاپ اول، تالیف جعفر سبحانی، مترجم: علی کرمی فریدنی
- ۱۵- پاره ای از بهشت (سیره رضوی)، انتشارت پیام آزادی، بی جا، ۱۳۸۱، تالیف محسن غفاری
- ۱۶- ترجمه زندگانی سیاسی امام رضا (ع)، انتشارت کنگره جهانی امام رضا (ع)، بی جا، ۱۳۶۵، تالیف هیات اجرایی کنگره جهانی امام رضا (ع)
- ۱۷- تفسیر هدایت، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸، چاپ اول، تالیف محمد تقی عبدوس، مترجم: پرویز اتابکی
- ۱۸- ترجمه رساله قشیریه، انتشارت علم و فرهنگ، بی جا، ۱۳۷۴، چاپ چهارم، تصحیح و استدراک: بدیع الزمان فروزان فر
- ۱۹- تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چاپ چهارم، تالیف مکارم شیرازی و همکاران

۲۰- ترجمه عیون الاخبار الرضا، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، بی جا

، ۱۳۹۶ق، تالیف شیخ صدوق، متوفی ۵۳۸۱ه، مترجم: عبد الحسین رضایی، محمد

باقر ساعدی

۲۱- ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی قم، بی تا، تالیف محمد حسین

طباطبایی،

متوفی، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی

۲۲- تحلیلی از زندگانی امام رضا (ع)، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

مشهد، ۱۳۷۲، چاپ سوم، تالیف محمد جواد فضل الله، مترجم: محمد صادق عارف

۲۳- ثمرات الحیات، انتشارات قائم آل محمد، قم، ۱۳۷۸، چاپ پنجم، تالیف محمود امامی

اصفهانی، تحقیق و ویرایش محمد ملکی

۲۴- جلاء العیون، انتشارات قائم، بی جا، بی تا، تالیف محمد باقر مجلسی

۲۵- حکمت ها و اندرزها، انتشارات صدرا، بی جا، ۱۳۸۶، چاپ بیست و دوم، تالیف

مرتضی مطهری

۲۶- ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، قم، ۱۳۸۶، چاپ بیست و چهارم، تالیف مرتضی

مطهری

۲۷- دستورات زندگی، انتشارات مقدم، بی جا، ۱۳۸۲، تالیف محمد تقی مقدم

۲۸- زندگانی هشتمین امام، انتشارات قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱، چاپ اول، تالیف

حسین حائری کرمانی، بازنویسی: علی اصغر فرزانه

۲۹- رفتارهای اخلاقی و اجتماعی امام رضا (ع)، انتشارات عروج اندیشه، مشهد

، ۱۳۸۲، چاپ اول، تالیف محمد علی چنارانی

- ۳۰- سیری در سیره ی ائمه اطهار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴، چاپ یازدهم، تالیف مرتضی مطهری
- ۳۱- ستارگان درخشان، کتابفروشی اسلامیه، بی جا، بی تا، تالیف محمد جواد نجفی
- ۳۲- علی بن موسی الرضا (امام رضا (ع))، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۵، چاپ دوم، تالیف مرضیه محمد خواه
- ۳۳- فراز های برجسته از سیره چهارده معصوم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲،
- تالیف محمد محمدی اشتهاردی، محمد تقی عبدوس
- ۳۴- فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم (حضرت علی بن موسی الرضا (ع))، بی نا، بی جا، ۱۳۵۹، چاپ دوم، تالیف احمد خوشنویس
- ۳۵- قاموس قرآن، انتشارات دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۷۲، چاپ یازدهم، تالیف علی اکبر قرشی
- ۳۶- قطره ای از دریای فضایل اهل بیت، نشر حاذق، بی جا، ۱۳۸۴، تالیف احمد مستنبط مترجم: محمد حسین رحیمیان
- ۳۷- علم اخلاق اسلامی (ترجمه کتاب جامع السعادات)، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۵، چاپ هشتم، تالیف مهدی نراقی، مترجم: جلال الدین مجتبوی
- 38- کشف الغمه فی معرفه الائمہ، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، بی جا، تاریخ تالیف ۵۶۸۷، تاریخ ترجمه: ۵۹۳۸، تالیف علی بن عیسی الاربلی، مترجم: علی بن حسین زواری، تصحیح ابراهیم میانجی و مقدمه ی ابوالحسن شعرانی
- ۳۹- منشور جاوید، انتشارات امام جعفر صادق، بی جا، ۱۳۸۳، چاپ چهارم، تالیف جعفر سبحانی

- ۴۰- مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت (ع)، انتشارات کنگره جهانی امام رضا، بی تا، تالیف هیات اجرایی کنگره جهانی امام رضا (ع)
- ۴۱- المفردات فی غریب القرآن، انتشارات مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴، چاپ دوم، تالیف راغب اصفهانی، متوفی ۵۵۰۲، مترجم: غلامرضا خسروی اصفهانی
- ۴۲- منتهی الآمال، انتشارات هجرت، بی جا، ۱۳۷۳، چاپ هشتم، تالیف شیخ عباس قمی
- ۴۳- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۸۰، چاپ اول، تالیف ابو علی فضل بن حسن الطبرسی، متوفی ۵۵۴۸، مترجم: علی کرمی
- ۴۴- معراج السعاده، انتشارات دهقان، بی جا، بی تا، تالیف ملا احمد نراقی، متوفی ۶۵۰
- ۴۵- میزان الحکمه، انتشارات دارالحديث، بی جا، ۱۳۷۷، چاپ اول، تالیف محمد محمدی ری شهری، مترجم: حمیدرضا شیخی
- ۴۶- مسند الامام الرضا (ع)، انتشارات المومنه العالمی الامام الرضا (ع)، بی جا، ۱۴۰۶، تالیف و تحقیق: عزیزالله عطاردی الخبوشانی
- ۴۷- نهج البلاغه علی (ع)، انتشارات فیض الاسلام، بی جا، ۱۳۷۲، ترجمه و شرح: علینقی فیض الاسلام
- ۴۸- نشانی بهشت، انتشارات قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۷، تالیف حسین علوی مهر (متولد ۱۳۴۲)،
- ۴۹- هشتاد و هشت کلام از هشتمین امام (علی بن موسی الرضا (ع))، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۶، چاپ چهارم، تالیف حسین حائری کرمانی، مترجمان: شیخی، جلالی، باباپور، محمد هاشم، ارجمند، وثوقی، ابو القاسمی، کاظم زاده، شکورزاده، تورسان زاده
- ۵۰- سایت های اینترنتی مورد استفاده :

1-[www. Tebyan.com](http://www.Tebyan.com)

2- www.hawzah. Net

3-www5. irna.ir

4-www.mums.ac.ir